

بررسی اپیدمیولوژیک AMI در شهرستان قوچان

هایده هاشمی زاده*

زمینه و هدف: انفارکتوس حاد میوکارد یکی از شایعترین علل موریبیدی و مورتالیتی در اکثر جوامع انسانی است. شناخت اپیدمیولوژیک انفارکتوس قلبی در هر منطقه ای می تواند راهگشا برای برنامه ریزی های منطقه ای جهت پیشگیری از این بیماری باشد.

روش تحقیق: این مطالعه به صورت یک مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی کلیه بیمارانی که در طی یک سال با تشخیص انفارکتوس حاد قلبی در بیمارستان موسی بن جعفر شهرستان قوچان بستری شده بودند، انجام شد. تعداد نمونه ها ۳۰۰ بیمار بود که به روش در دسترس انتخاب گردیدند. تشخیص انفارکتوس حاد قلبی بر اساس علائم بالینی و ECG توسط پزشک متخصص قلب صورت گرفت که به صورت مکتوب در پرونده ها موجود بود. داده ها بر اساس پرسشنامه ای که شامل اطلاعات دموگرافیک، نوع MI، نوع داروهای مصرفی، مدت بستری، مورتالیتی، ریسک فاکتورهای قلبی بود و با بررسی پرونده بیماران تکمیل گردید. داده ها پس از جمع آوری در نرم افزار SPSS وارد و آنالیز گردید.

یافته‌ها: تعداد کل بیمارانی که MI در طی ۲ سال ۳۰۰ نفر بود که ۳۳٪ زن و ۶۷٪ مرد بودند. ۵۳٪ مقیم شهر و ۴۷٪ مقیم روستا بودند. میانگین سنی بیمارانی که در مردان 60 ± 13 و در زنان 63 ± 13 سال بود که از نظر آماری، تفاوت معنی داری بین میانگین سن بیمارانی که مرد مشاهده نگردید. حداقل و حداکثر سن مردان ۲۹ و ۹۹ سال و در زنان ۳۲ تا ۸۹ سال بود. میانگین مدت بستری در بیمارستان 6 ± 2 روز بوده است. میانگین کلسترول 189 ± 47 ، تری گلیسرید 125 ± 70 ، HDL 43 ± 28 و LDL 120 ± 50 میلی گرم/لیتر گزارش گردید. ۴۴٪ دارای کلسترول بالای ۲۰۰، ۱۰٪ تری گلیسرید بالای ۲۰۰، ۲۸٪ HDL کمتر از ۳۵ و ۱۶٪ LDL بالای ۱۶۰ میلی گرم / لیتر داشتند. ۱۶٪ مبتلا به دیابت، ۳۹٪ مبتلا به هیپرتانسیون، ۲۰٪ سیگاری، ۳۷٪ معتاد به مواد مخدر بودند. از نظر میزان ابتلا به دیابت، هیپرتانسیون، استعمال سیگار و اعتیاد تفاوت معنی داری در دو جنس مشاهده نشد. شایعترین نوع MI آنتریور (۵۳٪) و اینفریور (۲۸٪) بود. مورتالیتی داخل بیمارستانی بیمارانی که ۶٪ بوده است. در ۱۸٪ بیمارانی که ترومبولیتیک تراپی صورت گرفته بود.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای فاکتورهای خطر در بیمارانی که AMI لازم است، برنامه های مداخله ای جهت تشخیص و درمان سریع این فاکتورها صورت گیرد. در مطالعه ما میزان ترومبولیتیک تراپی پایین بود که لازم است علل آن بررسی شود.

واژه های کلیدی: انفارکتوس قلبی، ریسک فاکتورهای قلبی، اپیدمیولوژی

بررسی عوامل مؤثر بر عدم پذیرش انسولین درمانی توسط بیماران دیابتی

رحیم حبیبی، منصور سلطانی*. غلامرضا حبیبی

زمینه و هدف: طبق پیش‌بینی سازمان بهداشت جهانی در ۲۰۱۰ در جهان بیش از ۲۵۰ میلیون نفر مبتلا به دیابت می‌باشند، که احتمالاً تا ۲۰ سال آینده (۲۰۳۰ میلادی) با ۵۰٪ افزایش، دو برابر خواهد شد. عدم درمان مناسب دیابت منجر به عوارض بسیار خطرناکی چون آترواسکلروز، مشکلات قلبی، کلیوی و مغزی خواهد شد. یکی از درمان‌های اصلی دیابت، درمان دارویی خصوصاً درمان با انسولین می‌باشد. متأسفانه عدم پذیرش درمان با انسولین یکی از چالش‌های حاضر در امر درمان و کنترل دیابت می‌باشد. هدف از انجام این مطالعه بررسی عوامل مؤثر بر عدم پذیرش انسولین درمانی توسط بیماران دیابتی می‌باشد.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع توصیفی - مقطعی بود. محیط پژوهش بخش غدد بیمارستان امام رضا (ع) مشهد بود. نمونه مطالعه را ۸۰ بیمار بستری (در دسترس) تشکیل می‌دادند. پس از بیان روش و اهداف مطالعه و کسب رضایت آگاهانه، پرسشنامه اطلاعات دموگرافیک، و پرسشنامه عدم پذیرش انسولین تکمیل گردید. روایی پرسشنامه با استفاده از روایی محتوا و پایایی این پرسشنامه با استفاده از روش آزمون - آزمون مجدد ($r=0/90$) مورد تأیید قرار گرفت.

یافته‌ها: شنیدن تجربیات دیگران، شرایط سخت نگهداری انسولین و وابسته شدن به خانواده بیشترین عوامل (۳۸/۸٪) در عدم پذیرش انسولین از سوی بیماران معرفی شدند. کمترین عوامل (۵٪) مربوط به ترس از مرگ ناگهانی و ترس از کمیاب شدن انسولین بود. آزمون من ویتنی نشان داد که بین جنس و عدم پذیرش انسولین و بین محل سکونت و عدم پذیرش انسولین اختلاف آماری معنی‌داری ($P<0/050$) وجود داشت.

نتیجه‌گیری: با توجه به اهمیت انسولین در درمان بیماری دیابت و کاهش عوارض بیماری، و با توجه به نتایج حاصل از پژوهش توصیه می‌شود تا قبل از اقدام به تجویز انسولین کلاس‌های آموزشی برای بیماران و خانواده‌هایشان گذاشته شود.

واژه‌های کلیدی: عدم پذیرش، انسولین درمانی، دیابت، بیماران دیابتی



دومین همایش کشوری پژوهش در توسعه سلامت - آترواسکلروز
بیرجند ۸ الی ۱۰ اسفند ۱۳۹۱
ارائه پوستر



**بررسی تولیدات علمی و همکاریهای بین المللی پژوهشگران ایرانی
در حوزه آترواسکلروز در پایگاه ISI طی سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱**
حلیمه صادقی*

زمینه و هدف: امروزه توسعه علمی هر کشوری از طریق فعالیتهای علمی پژوهشگران آن کشور مورد بررسی قرار می گیرد. هدف این پژوهش بررسی تولیدات علمی آترواسکلروز و همکاریهای بین المللی نویسندگان ایرانی در پایگاه اطلاعاتی وب آو ساینس طی سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ می باشد.

روش تحقیق: این پژوهش توصیفی است که با استفاده از شاخصهای علم سنتجی انجام شده است. جامعه آماری، مقالات نمایه شده دهه اخیر حوزه آترواسکلروز در پایگاه Web of Science می باشد. پس از جستجوی کلید واژه "atherosclerosis" در فیلد Topic، با محدودیت زمانی ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ و محدوده مکانی کشور "iran" در پایگاه "Web of Science" در تاریخ ۱۳۹۱/۰۷/۲۰، رکوردهای بازیابی شده برای تجزیه و تحلیل بیشتر وارد نرم افزار Excel و HistCite شد و نرخ رشد تولیدات علمی، پرکارترین نویسندگان، دانشگاه ها و موسسات ایرانی، مجلات مهم، زبان انتشارات و هم تالیفی پژوهشگران ایرانی با نویسندگان سایر کشورها مشخص شد.

یافته ها: نتایج پژوهش نشان می دهد در مجموع ۳۹۳ مقاله از نویسندگان ایرانی طی سالهای ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۱ در حوزه آترواسکلروز وارد پایگاه آی. اس. آی. شده است. کمترین مقالات این حوزه در سال ۲۰۰۲ و بیشترین تعداد مربوط به سال ۲۰۱۱ بوده است. صدیقه عسگری از دانشگاه علوم پزشکی اصفهان با داشتن ۲۵ مقاله پرکارترین نویسنده و دانشگاه علوم پزشکی تهران با انتشار ۸۴ مقاله (۲۱/۳۲ درصد) فعالترین موسسه بوده است. اکثر مقالات به زبان انگلیسی منتشر شده است (۹۹/۷ درصد)، بیشترین هم تالیفی نویسندگان ایرانی با همتایان خود از کشور آمریکا صورت گرفته است (۲۸ مقاله) و نویسندگان ایرانی مقالات خود را بیشتر در دو مجله Atherosclerosis Supplements و Clinical Biochemistry به چاپ رسانده اند (هر کدام ۱۷ مقاله)، ضریب همکاری گروهی نویسندگان در حد بالایی بود (۰.۹۸ درصد).

نتیجه گیری: تولیدات علمی محققان ایرانی در حوزه آترواسکلروز روند صعودی دارد.
واژه های کلیدی: علم سنتجی، پایگاه وب آو ساینس، آترواسکلروز، ضریب همکاری، برونداد علمی، تحلیل استنادی

* کارشناس ارشد کتابداری و اطلاع رسانی پزشکی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند halimeh_sadeghi@yahoo.com

بررسی وضعیت مراقبت دیابت در مناطق روستایی استان خراسان جنوبی در سال ۸۹

بهمن قلی نژاد*، مجید شایسته، محمد حسین نخعی، محمد رضا جمع اور

زمینه و هدف: بیماری دیابت شایعترین بیماری متابولیک با شیوعی رو به افزایش، ازدیاد ۱۲۲ درصدی جمعیت مبتلایان تا سال ۲۰۲۵، مسئول مرگ ۴ میلیون نفر در سال (۹٪ کل مرگهای جهان) می باشد. همچنین هر پانزده سال یکبار این آمار سه برابر می شود. لذا پژوهش حاضر با هدف مطالعه وضعیت مراقبت دیابت در مناطق روستایی استان خراسان جنوبی انجام شد. **روش تحقیق:** طی یک مطالعه مقطعی - توصیفی با استفاده از آمار گزارش دهی فصلی مراقبت از بیمار دیابتی و استفاده از نرم افزار EXCEL داده ها در طول سال از مراکز بهداشت ۸ شهرستان تابعه جمع آوری با استفاده از آمار توصیفی شیوع، درصد، میانگین مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: شیوع دیابت در مناطق روستایی ۱۷ در هزار نفر از افراد بالای ۳۰ سال است. تعداد موارد دیابتی استان ۲۳۹۱ در سال ۸۹ نفر بود، از این افراد ۷۵۹ نفر مرد (۳۱٪) و ۱۶۳۲ نفر زن (۶۹٪) بودند که ۱۰۷ مورد جدید بود. میانگین بار مراقبت بیمار توسط پزشک در مراکز روستایی ۲.۷ بار بود که میانگین بار مراقبت مردان ۲.۶۵ زن بود از کل بیماران مراقبت شده تعداد ۲۰۱۹ نفر BMI آنها ثبت شده است که ۶۴۱ مرد (۳۱٪) زن ۱۳۷۸ (۶۹٪) بودند. بطور کلی ۷۹۷ نفر (۳۹٪ BMI کم‌تر از ۲۵، ۶۲۳ نفر (۳۰٪) BMI بین ۲۵ تا ۲۷. ۵۹۹ نفر (۳۱٪) BMI بالاتر از ۲۷ داشتند. تعداد ۴۸۴۴ مورد آزمایش قند خون ناشتا از بیماران در طول سال انجام شد، که ۱۵۷۱ نفر (۳۲٪) مربوط به مردان و ۳۲۷۳ نفر (۶۸٪) مربوط به زنان بود. بطور کلی ۳۱۹۲ نفر (۶۵٪) قند خون ناشتا بالای ۱۲۰ داشتند. از کل بیماران در طول این مدت ۵۰۴ مورد آزمایش قند دوساعته و بیشتر انجام شد، که ۱۵۴ نفر (۳۰٪) مرد و ۳۵۰ نفر (۶۰٪) زن این آزمایش را انجام دادند. بطور کلی ۱۹۵ نفر (۳۸٪) قند خون دو ساعته کمتر از ۱۴۰، ۳۰۹ نفر (۶۲٪) قند خون دو ساعته بالای ۱۶۰ داشتند. از کل بیماران در طول سال ۲۰۷ آزمایش HA1c، ۸۲ نفر (۳۹٪) مرد و ۱۲۵ نفر (۶۱٪) از زنان انجام شد. از کل مردان ۴۵ نفر (۵۵٪) HA1c کمتر از ۰/۰۷ و ۳۷ نفر (۴۵٪) HA1c بین ۰/۰۷-۱ داشتند. از کل زنان ۵۳ نفر (۴۲٪) HA1c کمتر از ۰/۷۲/۰۷ نفر (۵۸٪) HA1c بین ۰/۰۷-۱ داشتند.

نتیجه گیری: شیوع بیماری در بین زنان دو برابر مردان است. بار مراقبت پزشکان خانواده برای دیابت پایین است، BMI زنان از مردان بالاتر است بیش از ۶۰٪ افراد بالای ۳۰ سال روستایی دچار اضافه وزن و چاقی هستند. علیرغم مراقبت ۶۵٪ قند خون ناشتای بالاتر از ۱۲۰ و ۶۱٪ قند خون دو ساعته و بیشتر از ۱۴۰ داشتند. لذا پیشنهاد می گردد پزشکان خانواده توجه بیشتر به این بیماری داشته باشند.

واژه های کلیدی: وضعیت، مراقبت دیابت، روستایی، خراسان جنوبی

بررسی ریسک فاکتورهای ضایعات عروقی مغز در بیماران بستری در بیمارستان نهم دی شهرستان تربت حیدریه

مجید حسن زاده*، مجتبی اسدی، حشمت مرادی

زمینه و هدف: بیماری عروقی مغز شایع ترین بیماری سیستم عصبی بوده در کشورهای پیشرفته سومین علت مرگ و میر بعد از بیماری های قلبی و سرطان ها می باشد. ضایعات عروقی مغز به دو صورت ایسکمیک و هموراژیک تقسیم می شوند. مهمترین ریسک فاکتور استروک عبارتند از: فشار خون بالا، هیپرلیپدمی، مصرف دخانیات، دیابت، بیماریهای قلبی عروقی و افزایش هماتوکریت می باشند. لذا این مطالعه با هدف بررسی اپیدمیولوژیک و تعیین ریسک فاکتورها در بیماران بستری با ضایعات عروقی مغز در بیمارستان نهم دی شهرستان تربت حیدریه در سال ۱۳۸۷-۱۳۸۶ انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع توصیفی بوده که طی آن پرونده تمامی بیمارانی که طی سالهای (۸۷-۸۶) با تشخیص ضایعات عروقی مغز در بیمارستان نهم دی شهرستان بستری تربت حیدریه بستری شده بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. واحدهای پژوهش ۵۰۰ بیمار بوده که اطلاعات مورد نیاز با توجه به اهداف پژوهش به کمک پرسشنامه جمع آوری گردیده و با استفاده از آزمون های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است.

یافته ها: نتایج حاصل از پژوهش نشان داد ۴۵٪ بیماران سن بالای ۶۰ سال داشتند. ۱۰٪ مونث بودند، ۶۰٪ ساکن شهر بودند از نظر فصلی وقوع ضایعات عروقی مغز در فصل بهار ۳۱/۸٪ زمستان ۲۸/۵٪ پائیز ۲۰٪ و تابستان ۱۹/۷٪ بود. ۹۱٪ فشار خون سیتولیک بیشتر از ۱۴۰ میلی متر جیوه، ۸۳٪ فشار دیاستولیک بیشتر از ۹۰ میلیمتر جیوه داشتند، ۱۲/۶٪ بیماران دیابتیک بودند، که ۱۵/۸٪ در جمعیت زنان و ۹/۶٪ در جمعیت مردان وجود داشت، هیپرکلسترومی در ۲۷/۸٪ بیماران و هیپرترمی گلیسیریدمی در ۶/۸٪ بیمار وجود داشت. ۲۶/۵٪ جمعیت مورد مطالعه سیگاری بودند. ۲/۹٪ بیماران سابقه بیماری قلبی همراه از جمله MI- AF- MS را داشتند، ۲/۳٪ بیماران هماتوکریت بالاتر از نرمال داشتند. ۳/۹٪ از بیماران فوت شده بودند. (۱۹ نفر)

نتیجه گیری: با توجه به اینکه مهم ترین ریسک فاکتورها افزایش فشار خون، افزایش چربی های خون و مصرف دخانیات و دیابت بوده پیشنهاد می شود، اقدامات پیشگیرانه به منظور کنترل این ریسک فاکتورها در سطح جامعه بعنوان پیشگیری اولیه و ثانویه انجام تا ریسک ضایعات عروقی مغز به حداقل کاهش یابد.

واژه های کلیدی: ضایعات عروقی مغز، ریسک فاکتور، تربت حیدریه

بررسی تاثیر مشاوره تغذیه بر کیفیت زندگی بیماران دیابتی

مجید حسن زاده*، اعظم سپهری

زمینه و هدف: چاقی به حالتی گفته می شود که انباشت های چربی بدن تا آن اندازه افزایش یابد که به تندرستی آدمی آسیب رساند. سازمان بهداشت جهانی درباره پیشگیری از چاقی فعالیتهای فراوانی احراز نموده و در حال اجرای برنامه هایی در این زمینه است از جمله این فعالیت ها دانستن پیامدهای چاقی است.

روش تحقیق: در پژوهش حاضر که یک مطالعه مداخله ای نیمه تجربی است، تعداد ۷۰ بیمار ۶۵-۴۰ ساله اضافه وزن و چاق دیابتی دارای نمایه شاخص توده بدن (BMI) بالای ۲۵ (kg/M2)، مراجعه کننده به کلینیک دیابت تربت حیدریه مورد مشاوره تغذیه قرار گرفت. کیفیت زندگی بیماران در دو مرحله قبل از مشاوره و یکماه پس از آن توسط پرسشنامه کیفیت زندگی SF-36 سنجیده شد. در پایان میانگین نمره کیفیت زندگی و ابعاد آن مقایسه گردید و تجزیه و تحلیل یافته ها توسط برنامه SPSS با نرم افزار تحت ویندوز انجام شد.

یافته ها: براساس یافته های پژوهش میانگین سنی واحدهای پژوهش در سطح ضعیف برآورد گردید و ۲/۵۴٪ از واحد ها اظهار داشتند که وضعیت سلامت آنها نسبت به سال گذشته برتر است. آزمون آماری تی زوجی با $p < 0.005$ تفاوت معنی داری را از لحاظ میانگین فشار خون سیستولیک و دیاستولیک، قند خون ناشتا، قند خون غیر ناشتا، کلسترول و تری گلیسرید خون، پس از مشاوره رژیم کیفیت زندگی کل و ابعاد مختلف آن و عملکرد جسمی، محدودیت نقش بعثت مشکلات جسمی، محدودیت نقش بعثت مشکلات روحی، روانی، انرژی زنده دلی، وضعیت ذهنی، عملکرد اجتماعی، درد جسمانی و درک کلی از سلامت عمومی قبل و بعد از مشاوره تغذیه و کاهش وزن نشان داد.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر که نشان داد برنامه مشاوره تغذیه و کاهش وزن باعث بهبود کیفیت زندگی بیماران در ابعاد مختلف می گردد. لذا استفاده از برنامه مشاوره رژیم غذایی جهت کاهش وزن به لحاظ پیشگیری و کاهش بروز عوارض در بیماران دیابتی چاق و اضافه وزن یک ضرورت محسوب می گردد.

واژه های کلیدی: چاقی و اضافه وزن، مشاوره تغذیه، کیفیت زندگی

بررسی تاثیر مدل مراقبت پیگیر بر فشار خون بیماران دیابتیک

مجید حسن زاده*، امیررضا برومند، عباس قدرتی، هادی علیزاده

زمینه و هدف: فشار خون بالا یک بیماری و اختلال شایع، مزمن و پیچیده ای است که حدود ۲۰٪ از افراد بزرگسال را در سراسر دنیا درگیر کرده است. کنترل این بیماری خطرناک و مهلك از اهداف مشترک سازمان بهداشت جهانی و مجامع بین المللی می باشد. لذا مطالعه ای با هدف تاثیر مدل مراقبت پیگیر بر کنترل فشار خون بیماران دیابتیک مرکز دیابت شهرستان تربت حیدریه انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه یک پژوهش نیمه تجربی بوده که بر روی ۷۰ بیمار دیابتی در شهر تربت حیدریه انجام شده است. نمونه های پژوهش بطور تصادفی به دو گروه آزمون و شاهد تقسیم شده با توجه به جور شدن متغیرهای ضروری در دو گروه، حول مراقبت پیگیری که دارای چهار قدم اساسی، اورنیتاسیون، حساس سازی، اجرا و ارزشیابی می باشد. در گروه آزمون اجرا و پس از سه ماه میانگین اندازه فشار خون کنترل شده در دو گروه مورد بررسی قرار گرفت.

یافته ها: میزان فشار خون سیستولیک در گروه شاهد در شروع مطالعه ۱۲۸/۶ میلیمتر جیوه و در ماه های اول، دوم و سوم مطالعه بترتیب ۱۲۶/۴، ۱۲۶/۴ و ۱۲۷/۴ میلیمتر جیوه و این میزان در گروه آزمون در شروع مطالعه ۱۲۷/۷ میلیمتر جیوه و در ماه های اول، دوم و سوم مطالعه بترتیب ۱۲۱/۸ و ۱۲۳ و ۱۲۴ میلیمتر جیوه بود. همچنین میزان فشار خون دیاستولیک در گروه شاهد در شروع ۷۴/۵ میلیمتر جیوه و در ماه های اول، دوم و سوم مطالعه بترتیب ۷۷/۵ و ۷۷/۵ و ۷۷/۱ میلیمتر جیوه و این میزان در گروه آزمون در شروع مطالعه ۷۹/۲ میلیمتر جیوه و در ماه های اول دوم و سوم مطالعه بترتیب ۷۷/۹ و ۷۵/۴ و ۷۴/۷ میلیمتر جیوه بود. آزمون آنالیز واریانس با اندازه گیری مکرر فشار خون نشانگر ارتباط معنی دار فشار خون سیستولیک ($P < 0/01$) و دیاستولیک ($P < 0/02$) در دو گروه می باشد.

نتیجه گیری: بکارگیری الگوی مراقبت پیگیر در کنترل فشار خون مؤثر می باشد.

واژه های کلیدی: مراقبت پیگیر، فشار خون، دیابت

بررسی میزان آگاهی پرسنل پرستاری بیمارستان شهدای قاین از بیماری آترواسکلروز

سید مصطفی محسنی زاده*، علی دشتگرد، علی سپهری نژاد

زمینه و هدف: آترواسکلروز از عوامل عمده مرگ و میر در بیشتر مناطق جهان از جمله ایران به شمار می‌رود. پژوهش‌ها در ایران نشان می‌دهد که نرخ بیماری‌های عروق کرونر طی سال‌های اخیر بین ۲۰ الی ۴۰ درصد افزایش پیدا کرده است. با توجه به این که اکثر عوامل زمینه‌ساز آترواسکلروز قابل تعدیل می‌باشد، بنابراین با آموزش صحیح افراد در معرض خطر از طریق پرستاران که تعامل زیادی با آنان دارند، می‌توان نقش مهمی را در افزایش آگاهی این افراد جهت پیشگیری و کنترل عوارض این بیماری ایفا نمود. لذا این مطالعه با هدف بررسی سطح آگاهی پرسنل پرستاری در رابطه با بیماری آترواسکلروز و مراقبت‌های آن انجام گردید.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع توصیفی مقطعی بوده که در آن ۶۰ پرستار به روش نمونه‌گیری در دسترس در سه شیفت صبح، عصر و شب از کلیه بخش‌های بیمارستان انتخاب شدند و پرسشنامه‌ای پژوهشگر ساخته متشکل از ۱۵ سوال ۴ گزینه‌ای در ارتباط با بیماری آترواسکلروز که روایی و پایایی آن با استفاده از نظر اساتید متخصص و آزمون‌های آماری به تایید رسیده بود، در اختیار آن‌ها قرار داده شد و سپس نتایج با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون‌های آماری مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که از ۶۰ پرستار مورد پژوهش، ۵۴.۸٪ (۳۴ نفر) مونث و ۴۱.۹٪ (۲۶ نفر) مذکر بودند. از نظر سطح آگاهی در مورد بیماری آترواسکلروز، بیشترین آن‌ها با ۵۳.۲٪ (۳۳ نفر) در سطح متوسط و سپس ۲۵.۸٪ (۱۶ نفر) در سطح خوب بودند. همچنین نتیجه آزمون آماری دقیق فیشر ارتباط خطی معنی‌داری بین سطح آگاهی از بیماری آترواسکلروز با بخش محل خدمت پرسنل پرستاری نشان داد ($P=0.033$) به طوری که بیشترین سطح آگاهی مربوط به پرسنل ICU و سپس اورژانس بود.

نتیجه‌گیری: این مطالعه نشان می‌دهد که میزان آگاهی پرستاران در سطح متوسط است، لذا لازم است برنامه‌های آموزشی جهت افزایش آگاهی پرستاران طراحی شود.

واژه‌های کلیدی: آترواسکلروز، آگاهی، پرسنل پرستاری

مفهوم Ca-score و پنتراکسین-۳ در شناسایی غیر تهاجمی تنگی قابل ملاحظه عروق کرونر در آنژین صدری پایدار مزمن

حبیب حی بر*، محمد داودی، احمدرضا عصاره، آبتین شهلائی، مریم آذریان، زهرا فاضلی نژاد، امیر اسلامی شهر بابکی

زمینه و هدف: بیماری عروق کرونر (CAD) در آینده همچنان مورد نگرانی جامعه پزشکی خواهد بود. علل عمده حوادث قلبی و عروقی آترواسکلروز و ترومبوز عروق کرونر هستند. تعیین میزان تنگی مجرای کرونری یک فاکتور کلیدی در کنترل CAD می باشد، که سالانه مقادیر زیادی از منابع صرف آن می شود. روشهایی که در حال حاضر مورد استفاده قرار می گیرند خطرات مشخصی را از نفروتوکسیسیته ناشی از CT آنژیوگرافی (CTA) تا مرگ هنگام کاتتر گذاری قلبی را در بر دارند. Long pentraxine یا پنتراکسین-۳ (PTX3) برای پیش بینی بقاء یا فرایند آترواسکلروتیک ولی نه در شناسایی تنگی کرونر استفاده شده است. بدین منظور کلسیم اسکور با موفقیت استفاده شده است. هدف اصلی از مطالعه ما توانایی در پیش بینی وجود تنگی قابل ملاحظه در عروق کرونر اشخاص با استفاده از روش PTX3 می باشد.

روش تحقیق: افراد وارد شده به مطالعه افرادی با آنژین پایدار مزمن بودند که شواهد مبنی بر انفارکتوس میوکارد (MI) نداشتند و پس از انجام تست ورزش با تردمیل، بر اساس پروتوکول دوک، بعنوان ریسک متوسط طبقه بندی شدند. علاوه بر کاتتریزاسیون قلبی، نمونه خون از سینوس کرونر جهت اندازه گیری PTX3 و hs-CRP گرفته شد و نیز اسید اوریک کلسترول، گلوکز و لیپوپروتئین با دانسیته بالا (HDL)، PTX3 و hs-CRP از گردش خون ورید فمورال گرفته شد. کلسیم اسکورها با استفاده از معیار آگاتستون و سی تی اسکن چند مقطعی بدون ماده حاجب محاسبه شدند. شرکت کنندگان بر اساس تعداد عروق کرونر تنگ شده به انواع (باز، یک، دو و سه رگ بیمار) تقسیم بندی شدند.

یافته ها: علاوه بر اطلاعات دموگرافیک و اندازه سطح سرمی HDL، گلوکز و اسید اوریک، که مجموعاً با سایر مطالعات همسو بودند، ما متوجه شدیم که پس از تبدیل لگاریتمی (log transformation) مقادیر، میزان PTX3 در سینوس کرونر و ورید فمورال با هم ارتباط داشتند. مقادیر PTX3 و کلسیم اسکورها در افرادی که گرفتگی سه رگ داشتند با افرادی که گرفتگی قابل ملاحظه ای نداشتند متفاوت بود. در مورد سطوح hs-CRP تفاوت قابل ملاحظه ای مشاهده نشد.

نتیجه گیری: می توان نتیجه گرفت که سطوح PTX3 در عروق محیطی نمایانگر مقادیر آن در عروق کرونر می باشد و این متغیر را می توان به روش کم تهاجم تری اندازه گیری کرد. علاوه بر کلسیم اسکور سطوح PTX3 در چهار گروه مطالعه ما متفاوت بود. با کمک استفاده همزمان این روشها می توان افرادی را که تنگی عروق کرونر قابل توجه دارند را شناسایی کرد و بصورت گزینشی تر بیماران با ریسک متوسط در تست ورزش را مورد آنژیوگرافی قرار داد.

واژه های کلیدی: بیماری عروق کرونر، کلسیم اسکور، پنتراکسین ۳، hs-CRP، long. غیر تهاجمی

مقایسه کیفیت زندگی بیماران CAD تحت درمان با روش طبی و CABS

بتول نحیر*، رمضان رحمانی، عباس عبادی، اکرم مهجوری، محمد پوراابراهیمی

زمینه و هدف: بیماری شریان کرونر CAD نخستین علت مرگ در کشورهای توسعه یافته و ایران به شمار می آید، درمان این بیماری به سه روش دارویی، مداخله غیر جراحی با استفاده از کاتتر بالون دار و به روش پیوند راه فرعی کنارگذر در کرونر CARG انجام می گیرد، در انتخاب شیوه درمان علاوه بر تصمیم پزشک، نظر بیمار خیلی مهم است. برای خیلی از بیماران مزیت روشهای درمانی مورد سؤال است. این مطالعه با هدف تعیین مزیت دو روش درمانی CABS و طبی از طریق اندازه گیری کیفیت زندگی افراد انجام گرفته است.

روش تحقیق: دریک مطالعه توصیفی- تحلیلی مجموعاً ۱۹۰ بیمار مبتلا به CAD تحت درمان با یکی از روشهای دارویی و جراحی عروق کرونر با روش نمونه گیری مبتنی بر هدف از لیست بیماران بیمارستان بقیه ا... (عج) انتخاب شدند. سپس طی یک مصاحبه ساختارمند پرسشنامه استاندارد کیفیت زندگی نائینگهام تکمیل گردید. داده ها با آزمون آماری تی مستقل و کای با استفاده از نرم افزار SPSS11 تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: در بیماران تحت درمان با CABS میانگین نمره کیفیت زندگی $18/5 \pm 3/3$ در مقایسه با گروه دارویی که میانگین $23/4 \pm 4/3$ بود و آزمون آماری تی مستقل اختلاف معنا داری را بین این دو شیوه نشان داد ($p < 0.05$). یعنی کیفیت زندگی در بیماران تحت درمان با CABS مطلوبتر از گروه دارویی بود.

نتیجه گیری: روش درمانی CABS هر چند برای بیماران دشوارتر است و هزینه بیشتری در بردارد، اما روش مطلوبتری میباشد و نیازمند دادن آگاهیهای بیشتر به مردم و فراهم کردن امکانات و شرایط لازم جهت فراگیر کردن بکارگیری این روش میباشد.

واژه های کلیدی: کیفیت زندگی، بیماری عروق کرونر، جراحی عروق کرونر، مداخله دارویی

بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان دانشگاه های بیرجند در رابطه با تغذیه

ام البنین معتمد رضایی*، حمیدرضا مشرفی مقدم، بیتا بیجاری، غلامرضا شریف زاده، نرگس معاشری

زمینه و هدف: بیماری های قلبی مهمترین عامل مرگ و میر در تمامی جوامع شهری می باشند. یکی از عوامل خطر اصلی بیماریهای قلبی رژیم غذایی ناسالم است. هدف از مطالعه حاضر بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد دانشجویان دانشگاه های بیرجند در رابطه با تغذیه می باشد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی ۴۳۰ دانشجوی انجام شد. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه محقق ساخته ای که روایی محتوی آن را اعضای هیئت علمی صاحب نظر در خصوص مباحث تغذیه ای و مرکز تحقیقات قلب دانشگاه تأیید کرده اند استفاده شد. پرسشنامه شامل اطلاعات دموگرافیک، سئوالات آگاهی، نگرش و عملکرد تغذیه ای افراد مورد مطالعه بود. پرسشنامه ها به صورت مصاحبه با دانشجویان تکمیل شد. داده ها پس از جمع آوری با استفاده از نرم افزار SPSS 11/5 و روش های آماری توصیفی و آمار استنباطی تجزیه تحلیل داده ها انجام شد.

یافته ها: مطالعه بر روی ۴۳۰ دانشجو (۲۵۰ نفر از دانشگاه علوم پزشکی و ۱۸۰ نفر از دانشگاه بیرجند) انجام شد. میانگین سنی شرکت کنندگان $20/8 \pm 1/7$ سال بود. اکثریت دانشجویان دختر ($66/7\%$) و مجرد ($85/1\%$) بودند و اکثریت در مقطع کارشناسی مشغول به تحصیل بودند. میانگین نمره آگاهی از عوامل خطر بیماریهای قلبی عروقی در شرکت کنندگان از ۷ نمره $5/0 \pm 1/32$ و میانگین نمره نگرش از ۹۵ نمره $71/64 \pm 6/54$ بود. $12/4\%$ دانشجویان مورد مطالعه سطح آگاهی ضعیف داشتند و سطح نگرش در هیچ مورد ضعیف نبود. بین سطح آگاهی و نگرش دانشجویان برحسب وضعیت تاهل، دانشگاه محل تحصیل و مقطع تحصیلی ارتباط آماری معنی داری مشاهده نشد. ولی سطح آگاهی و نگرش در دانشجویان مونث و ساکن مناطق شهری بالاتر از دانشجویان مذکر و روستایی بود. درمورد عملکرد تغذیه ای، شایعترین نوع روغنی که دانشجویان همیشه و اکثراً استفاده می کردند، روغن مایع خوراکی ($58/6\%$) و بعد از آن روغن نباتی جامد ($51/9\%$) بود. $48/9\%$ دانشجویان هیچوقت روغن زیتون مصرف نمی کردند. میانگین مصرف ماهی در هفته $9 \pm 0/8$ ، سبزی و میوه $5/2 \pm 6/3$ و غذاهای آماده $2/3 \pm 1/9$ بود.

نتیجه گیری: علیرغم بالا بودن سطح آگاهی و نگرش تغذیه ای، دانشجویان مورد مطالعه الگوی تغذیه ای مناسبی ندارند. ارائه الگوهای مناسب در تغذیه و داشتن برنامه غذایی سالم در سلف دانشگاهها ضروری بنظر می رسد.

واژه های کلیدی: آگاهی، نگرش، عملکرد، دانشجویان دانشگاه های بیرجند، تغذیه

بررسی کیفیت زندگی و عوامل موثر بر آن در بیماران مبتلا به نارسایی احتقانی قلب مراجعه کننده به درمانگاه های قلب وابسته به دانشگاه علوم پزشکی تهران زهرا راهنورد*

زمینه و هدف: نارسایی احتقانی قلب بیماری است که شیوع و بروز آن در حال افزایش می باشد و به نظر می رسد که بر جنبه های مختلف کیفیت زندگی مبتلایان تاثیر می گذارد. این پژوهش به منظور تعیین کیفیت زندگی و عوامل موثر بر آن در بیماران مبتلا به نارسایی احتقانی قلب مراجعه کننده به درمانگاه های قلب دانشگاه علوم پزشکی تهران صورت گرفته است.

روش تحقیق: یک مطالعه پیمایشی است. تعداد نمونه ها ۱۸۴ نفر از بیماران مبتلا به نارسایی احتقانی قلب بودند که مبتنی بر هدف انتخاب شدند. ابزار پژوهش پرسشنامه مشخصات دموگرافیک و کیفیت زندگی بود.

یافته ها: یافته های پژوهش نشان داد که اکثریت واحدهای مورد پژوهش کیفیت زندگی نامطلوب در ابعاد جسمی (۰/۴۴/۶)، روانی (۰/۴۷/۳)، اقتصادی و اجتماعی (۰/۴۹/۵) و کیفیت کل زندگی (۰/۴۶/۷) داشته و در بعد سلامت عمومی (۰/۲۴/۴) از کیفیت زندگی نسبتا مطلوب برخوردار بوده اند. هم چنین نتایج نشان داد که بین وضعیت اشتغال، میزان تحصیلات، مراقبت در منزل، شدت بیماری، طول مدت ابتلا به بیماری، دفعات مراجعه به پزشک، دفعات بستری، مدت زمان ابتلا به فشارخون، وجود ادم، اطلاع از چربی خون و برخی نشانه ها و عوارض بیماری، شدت خستگی در حال حاضر و در یک ماه اخیر ($P=0/000$) و تعداد داروهای مصرفی ($P=0/039$) با کیفیت زندگی ارتباط معنی داری وجود دارد.

نتیجه گیری: نارسایی احتقانی قلب بر کیفیت زندگی تاثیر منفی دارد. بنابراین لازم است که با شناخت عوامل موثر بر کیفیت زندگی و کنترل آنها و انجام مداخلات پرستاری کیفیت زندگی اینگونه بیماران را افزایش داد.

واژه های کلیدی: کیفیت زندگی، عوامل موثر، نارسایی احتقانی قلب

بررسی تاثیر آموزش بر اساس مدل اعتقاد بهداشتی بر رفتارهای پیشگیری از مصرف سیگار در نوجوانان دختر زهرا راهنورد*

زمینه و هدف: استعمال سیگار یک مشکل خطرساز و شایع در میان نوجوانان است و تلاش جهت حفظ هر چه بیشتر سلامت جامعه بسیار ضروری است. هدف از این مطالعه تعیین میزان تاثیر آموزش مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی بر رفتارهای پیشگیری از مصرف سیگار در نوجوانان دختر می باشد.

روش تحقیق: این یک مطالعه مداخله ای از نوع نیمه تجربی است که در کانون های فرهنگی تربیتی منطقه ۱۷ شهرداری تهران که هر یک از کانونها به طور تصادفی به عنوان گروه کنترل یا تجربه انتخاب شدند، بر روی ۱۷۶ نفر از نوجوانان دختر (۸۸ نفر در دو گروه کنترل و تجربه) انجام شده است. مداخله پژوهش آموزش مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی به روش سخنرانی همراه با پرسش و پاسخ، طی سه جلسه آموزشی و ارائه محتوای آموزش به صورت کتابچه در گروه تجربه صورت گرفت. ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بود که در دو مرحله قبل و بعد از آموزش با فاصله زمانی ۸ هفته جمع آوری گردید.

یافته ها: قبل از آموزش دو گروه از نظر متغیرهای دموگرافیک و همچنین از نظر متغیرهای مربوط به اجزاء مدل همگن بودند. مقایسه دو گروه نشان داد که میانگین اجزاء مدل اعتقاد بهداشتی مشتمل بر حساسیت، شدت، منافع و موانع درک شده، راهنمای عمل و رفتارهای پیشگیری بعد از آموزش در گروه تجربه نسبت به قبل از مداخله و همچنین نسبت به گروه کنترل افزایش معنی داری داشته است ($P=0/001$).

نتیجه گیری: آموزش بهداشت مبتنی بر مدل اعتقاد بهداشتی در انجام رفتارهای پیشگیری از مصرف سیگار در نوجوانان موثر بوده است.

واژه های کلیدی: آموزش، مدل اعتقاد بهداشتی، مصرف سیگار، نوجوانان دختر

بررسی رابطه مرحله مثبت شدن تست ورزش با آنژیوگرافی عروق کرونر

فرزانه احمدی، سید مسعود سیدیان، صدیقه باقری*، رضا آیتی پور، مختار قنواتی

زمینه و هدف: بیماری عروق کرونر یکی از شایعترین علل مرگ در تمام کشور می باشد. تست ورزش یک روش که نوعی فعالیت کنترل شده در چند مرحله می باشد، در دسترس و غیر تهاجمی برای غربالگری و تشخیص بیماری عروق کرونری است و بیمارانی که در تست ورزش، ضایعه ای داشته باشند کاندید بررسی بیشتر می شوند. هدف از این مطالعه بررسی وجود رابطه نتیجه حاصل از تست ورزش با شدت ضایعات عروقی در آنژیوگرافی در بیماران با بیماری عروق کرونر است.

روش تحقیق: مطالعه حاضر یک مطالعه مقطعی است که بر روی ۱۰۰ نفر بیمار (۷۵ نفر مرد و ۲۵ نفر زن) که تست ورزش مثبت داشته اند و کاندید آنژیوگرافی شده بودند صورت گرفت. با توجه به مثبت شدن تست ورزش و سپس ارزیابی بیمار بوسیله آنژیوگرافی کرونر و مقایسه این دو نتایج آزمایش با هم، بیماران به چهار گروه مختلف تقسیم بندی شدند: الف) درگیری سه رگ (3VD ب) درگیری دو رگ (2VD ج) درگیری یک رگ (SVD د) بدون درگیری (نرمال). با مقایسه این نتایج با پاسخ تست ورزش در هر بیمار میزان درگیری عروق کرونر در هر مرحله از تست ورزش معین گردید و میزان P.Value آن محاسبه شد. و رابطه مرحله مثبت شدن تست ورزش با نتیجه آنژیوگرافی مقایسه گردید. در پایان میزان Specificity تست ورزش در مراحل مختلف آن با توجه به نتایج آنژیوگرافی عروق کرونری تعیین گردید. جهت بررسی از روش آماری chi Square استفاده شد.

یافته ها: همبستگی زیادی بین مرحله مثبت شدن تست ورزش با تعداد عروق کرونری که به آترواسکلروز مبتلا هستند (یک رگ گرفتار، دو رگ گرفتار، سه رگ گرفتار)، بر اساس نتیجه آنژیوگرافی عروق کرونر با ($P < 0/001$) دیده شد. این ارتباط به صورت معکوس می باشد. یعنی هر چه تست ورزش یک بیمار در مراحل اولیه مثبت گردد، میزان درگیری عروق کرونری در آن فرد بیشتر است.

نتیجه گیری: در این مطالعه ارتباط قابل توجه بین مرحله مثبت شدن تست ورزش و تعداد عروق کرونر درگیر دیده شد. و نشان داده شد که هر چه مرحله مثبت شدن تست ورزش پایین تر باشد میزان درگیری عروق کرونری فرد بیمار بیشتر است.

واژه های کلیدی: تست ورزش، آنژیوگرافی کرونر، بیماری عروق کرونر

بررسی وضعیت عیوب انکساری چشم در بیماران مبتلا به هیپرتانسیون سیستمیک

محمدحسین داوری*، متین هاشمی

زمینه و هدف: پرفشاری خون یک بیماری شایع می باشد. با توجه به عوارض آن در چشم و کلیه و سایر ارگانهای حساس و امکان پیشگیری از طریق کنترل ریسک فاکتورها و اینکه عیوب انکساری چشم هم در جامعه شایع است. این مطالعه به منظور تعیین رابطه بین پرفشاری خون و عیوب انکساری چشم انجام شده است.

روش تحقیق: این مطالعه بصورت موردی شاهدهی بر روی ۲۰۱ بیمار مبتلا به پرفشاری خون مراجعه کننده به درمانگاه قلب بیمارستان ولیعصر (عج) بیرجند به عنوان مورد و ۲۰۱ نفر از سایر بیماران درمانگاه که پرفشاری خون نداشتند انجام شد. هر دو گروه از نظر عیوب انکساری توسط چشم پزشک و اپتومتریست با استفاده از، جعبه عینک، اتور فراکتومتر، رتینوسکوپ، افتالموسکوپ، و اسنلن چارت معاینه گردیدند. فشار خون بیماران در شرایط استاندارد توسط دانشجوی چشم پزشکی اندازه گیری و ثبت گردید، فشار سیستولیک بزرگتر مساوی ۱۴۰ میلیمتر جیوه و دیاستول بزرگتر مساوی ۹۰ میلیمتر جیوه و سابقه ۵ سال فشار خون بالا بعنوان پرفشاری خون و عیب انکسار معادل شده ± 0.50 بعنوان عیب انکساری محسوب گردید. داده ها در نرم افزار SPSS وارد و به وسیله آزمونهای آماری کای اسکوئر و T-test در سطح $\alpha = 0.05$ آنالیز گردید.

یافته ها: میانگین عیب انکساری دوربینی دو چشم در گروه مورد، 0.9729 و در گروه شاهد 0.421 و میانگین نزدیک بینی دو چشم در گروه مورد 0.3955 و در گروه شاهد 0.6032 بود، ولی میانگین آستیگماتیسم دو چشم در گروه مورد 0.2270 و در گروه شاهد 0.2021 بود که معنی دار نبود. میانگین سنی مورد $6/9 \pm 6/50$ و میانگین سنی شاهد $3/50 \pm 4/8$ و $p = 0.75$ می باشد.

نتیجه گیری: افراد با هیپرتانسیون سیستمیک ریسک افزایش یافته جهت ابتلا به دو عیب انکساری دوربینی و نزدیک بینی دارند. پیشنهاد می شود افرادی که عیب انکساری دارند از نظر هیپرتانسیون سیستمیک بررسی و چک شوند.

واژه های کلیدی: پرفشاری خون، دوربینی، نزدیک بینی، آستیگماتیسم

بررسی میزان آگاهی، نگرش و عملکرد کارکنان درمانی مرکز آموزشی درمانی

ولی عصر (عج) بیرجند از روش گلوکومتری در سال ۱۳۹۱

منصور سلطانی^{*}، اکرم خزاعی، طاهره خزاعی، سمیرا غلامی، عاطفه امیرآبادی

زمینه و هدف: دیابت از عوامل مرتبط با آترواسکلروز به شمار می‌رود. پایش دقیق گلوکز خون توسط گلوکومتر در محیط‌های بالینی منجر به نرموگلیسمی و کاهش مورتالیتی می‌شود. نمونه‌گیری و انجام آزمایشات بایستی به درستی انجام شود. میزان آگاهی، نگرش و عملکرد کارکنان در استفاده از گلوکومتر می‌تواند نقش مهمی در حفظ حیات و سلامت بیمار و یا مرگ وی داشته باشد.

روش تحقیق: در مطالعه توصیفی - تحلیلی انجام گرفته به روش سرشماری کارکنان درمانی شاغل کلیه بخش‌های مرکز آموزش درمانی ولی عصر بیرجند (۲۰۰ نفر) به عنوان نمونه انتخاب شدند و با پرسشنامه پژوهشگر ساخته میزان آگاهی، نگرش و عملکرد آن‌ها مورد بررسی قرار گرفت. بررسی آگاهی بر مبنای مقیاس سه نقطه‌ای و نگرش و عملکرد بر مبنای مقیاس پنج نقطه‌ای لیکرت شامل ۴۶ سوال نمره گذاری شد. داده با استفاده از نرم‌افزار SPSS16 و آمار توصیفی (میانگین، فراوانی و انحراف معیار) و آزمون‌های آنالیز واریانس و تعقیب توکی در سطح معنی‌داری ($P < 0.05$) تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: نشان داد میانگین نمره آگاهی، نگرش و عملکرد بین گروه‌ها از نظر متغیر سن و جنس واحدهای پژوهش اختلاف آماری معنی‌داری ($P > 0.05$) وجود ندارد. میانگین نمره نگرش برحسب سطح تحصیلات بین دو گروه کارشناس ارشد و فوق دیپلم اختلاف آماری معنی‌داری دارد و در بعد آگاهی بین دو گروه شیفت در گردش با شیفت صبح اختلاف آماری معنی‌داری ($P = 0.01$) وجود دارد. اختلاف در ابعاد آگاهی و عملکرد بین گروه رادیولوژی با سایر گروه‌ها دیده شد و در بعد نگرش اختلاف آماری معنی‌داری ($P = 0.00$) بین بخش چشم و ENT با بخش‌های اورژانس، پاراکلینیک و ویژه وجود دارد.

نتیجه‌گیری: گرچه پرسنل بر برخی جنبه‌های مراقبت گلوکومتری اشراف دارند، اما ضروری است برنامه ارتقای علمی و توسعه فردی پرسنل (PDP) در این خصوص ارائه گردد.

واژه‌های کلیدی: گلوکومتر، کارکنان درمانی، آگاهی، نگرش، عملکرد

بررسی عوامل خطر ساز بیماری های عروق کرونر در دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی بیرجند زهرا قیروانی*، طیبه کرمانی، محمدرضا میری

زمینه و هدف: انجمن قلب امریکا (AHA) بعضی از عوامل خطر بیماری های عروق کرونر (CAD) را افزایش کلسترول خون، پر فشاری خون، اضافه وزن، چاقی، عدم فعالیت جسمی و دیابت و ... گزارش می کند. بنابراین شناخت و تعدیل این فاکتورها نقش مهمی در پیشگیری از ایجاد آترواسکلروز و کاهش مرگ و میر ناشی از بیماری های قلبی عروقی دارد. به منظور ارزیابی سلامت جسمی دانشجویان، مطالعه ی اخیر با هدف بررسی عوامل خطر ساز بیماری های (CAD) در دانشجویان رشته های مختلف علوم پزشکی ورودی ۸۹ در رده ی سنی (۲۲-۱۸ سال) اجرا گردید.

روش تحقیق: در این مطالعه ی توصیفی تحلیل از نوع مقطعی که بر روی ۱۵۸ نفر (۴۲ پسر، ۱۱۶ دختر) از دانشجویان رشته های مختلف علوم پزشکی (ورودی ۸۹) در رده ی سنی ۲۲-۱۸ صورت گرفت. اندازه گیری های آنتروپومتری (قد، وزن، فشارخون، دور کمر، دور شکم، دور ساق، بازو، و ...) انجام شد و توده ی بدنی (BMI) تعیین شد. شاخص های تغذیه ای براساس تعریف تغذیه ی متعادل، مصرف آب کافی و میزان فعالیت های ورزشی و تحرک فردی به صورت سؤالاتی در پرسش نامه گنجانده شد. ضمناً سابقه ی افزایش قند و چربی خون بر اساس گزارش فرد ثبت شد. سپس داده ها با استفاده از آزمون های آماری آنالیز گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد که در فاکتور های قد، وزن، دور کمر، دور شکم، فشار سیستول، فشار دیاستول میانگین مقادیر پسران بیشتر از دختران بوده است. به عبارت دیگر فاکتور های فوق بطور معنی داری ($p=0.000$) در دختران با پسران تفاوت داشتند. در تمام شاخص های سلامت جسمی بجز فشار دیاستول و دور شکم اختلاف معنی داری ($p=0.000$) بین دو جنس مشاهده شد. میانگین فشار سیستول و دیاستول در پسران به ترتیب (۱۵ و ۷۵) و میانگین این فشارها در دختران به ترتیب (۱۱۰ و ۷۳) بود. بر طبق شاخص نمای توده ی بدنی (BMI) در کل افراد (۵۵/۳٪) طبیعی و (۲۶/۴٪) لاغر و (۱۷٪) اضافه وزن و (۱/۳٪) چاق بودند. نتایج حاصل از پرسشنامه نشان داد که در بین دانشجویان (۱/۳٪) هیپرتانسیون، (۱/۳٪) دیابت و (۱/۸٪) هیپرلیپید می داشتند.

نتیجه گیری: بنابراین شناسایی عوامل خطر ساز CAD و تعیین شیوع آنها و نیز افزایش آگاهی افسار مختلف جامعه به ویژه دانشجویان رشته های علوم پزشکی که خود نقش اساسی در آموزش، پیشگیری و کنترل دارند، ضروری بنظر می رسد. همچنین پیشنهاد می شود که بمنظور افزایش آگاهی در دانشجویان، برنامه های آموزشی و تحقیقاتی خاصی برای کاهش عوامل خطر ساز بیماریهای قلبی و عروقی در جامعه طراحی شود.

واژه های کلیدی: بیماری های عروق کرونر، عوامل خطر ساز، دانشجویان، دانشگاه علوم پزشکی

* مربی هیات علمی گروه فیزیولوژی و فارماکولوژی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند ghiravani@yahoo.com

بررسی درصد تجویز گروههای مختلف دارویی و پنج داروی اول تجویزی

در نسخ پزشکان متخصص قلب و عروق

کبری ناصری^{*}، ملیحه کریمی درمیان، اعظم سلمانی بجستانی

زمینه و هدف: استفاده مناسب از داروهای مختلف خصوصاً در بیماران قلب و عروقی با شرایط خاص بیماری و سنی میتواند متولیان سلامت را در اتخاذ تصمیم گیریهای بهداشتی- درمانی راهنمایی کند. تجویز و مصرف منطقی دارو مهمترین گام در ارتقای سلامت بیماران است و یکی از مستندترین راههای بررسی الگوی تجویز دارو در یک جامعه ارزیابی نسخ پزشکان است.

روش تحقیق: این مطالعه یک بررسی توصیفی - مقطعی در خصوص الگوی تجویز گروههای مختلف دارویی و همچنین پرتجویزترین داروها در ۱۵۰۷۸ نسخه متخصصان قلب و عروق استان خراسان جنوبی است. نسخ کلیه داروخانه ها از سازمانهای بیمه گر جمع آوری گردید و توسط نرم افزار بررسی نسخ از نظر درصد تجویز گروههای مختلف و پنج داروی اول تجویزی ارزیابی شد.

یافته ها: بررسی ۱۵۰۷۸ نسخه پزشکان متخصص قلب و عروق استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۹۰ نشان داد که از بین گروههای دارویی تجویزی، داروهای قلب و عروق ۶۱.۴۶٪، داروهای سیستم عصبی مرکزی ۳۳.۷۶٪، داروهای آنالژیک ۱۵.۳۳٪، داروهای گوارشی ۳.۴۳٪ و کورتونها ۲.۱۷٪ تجویز شده اند. درضمن ۵ داروی اول تجویزی از نظر بیماران دریافت کننده بترتیب آسپرین، نیتروگلیسرین، متوپرولول، لوزارتان و آتورواستاتین گزارش گردید.

نتیجه گیری: بیشترین گروههای دارویی تجویز شده داروهای قلب و عروق، داروهای سیستم اعصاب مرکزی و آنالژیک است که با تعامل مناسب پزشکان و داروسازان میتوان اطلاع رسانی در خصوص عوارض و تداخلات دارویی مهم این دسته داروها را در اولویت برنامه های آموزش قرار داد.

واژه های کلیدی: داروهای قلب و عروق، درصد تجویز دارو، متخصص قلب و عروق، گروههای دارویی

* دکترای فارماکولوژی، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، معاونت غذا و دارو naserik@bums.ac.ir

بررسی تأثیر لیدوکائین وریدی بر تغییرات همودینامیک بدنبال ساکشن لوله تراشه در بیماران بخش مراقبت های ویژه

محمد رضا حاجی آبادی*، آراز قورچاهی، قاسم کریمی

زمینه و هدف: با توجه به افزایش تعداد بخشهای ICU و بیماران بحرانی که در بخش مراقبتهای ویژه تحت لوله گذاری تراشه و تهویه مکانیکی قرار دارند. تعداد بیماران نیازمند به ساکشن داخل نای رو به تزاید است. ساکشن لوله تراشه در بیماران بالاخص بیماران ICU با توجه به بیماری زمینه ای و نوع بیماری که باعث بستری شدن آنها در ICU گردیده و می تواند باعث ایجاد تغییرات همودینامیک و متعاقب آن ایسکمی عضله قلب، آریتمی و هیپوکسی شود. تغییرات همودینامیک و هیپوکسی علاوه بر عضله قلب روی ارگانهای دیگر بدن نیز اثرات سوئی دارد. این مطالعه به منظور تأثیر لیدوکائین وریدی در پیشگیری از تغییرات شدید همودینامیک و هیپوکسی بدنبال ساکشن لوله تراشه در بیماران بخش مراقبتهای ویژه انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع کارآزمایی بالینی آینده نگر است که بصورت پلاسیبو کنترل و دوسویه کور بر روی ۸۰ بیمار بخش مراقبتهای ویژه انجام گرفت. بیماران را بطور تصادفی در دو گروه ۴۰ نفری، گروه (الف) دریافت کننده لیدوکالین وریدی (1.5mg/kg) و گروه (ب) یا گروه کنترل (دریافت کننده نرمال ساکین (4ccIV)) قرار دادیم. پس از تزریق لیدوکائین و پلایبو برای بیمار، عمل ساکشن لوله تراشه با تکنیک علمی انجام شد. تغییرات فشار خون، ضربان نبض و میزان اشباع اکسیژن شریانی قبل از ساکشن و ۳ دقیقه بعد از آن ثبت گردید و یافته های بدست آمده با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون (t-test) مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: بر اساس مطالعه انجام شده تزریق لیدوکالین وریدی قبل از ساکشن لوله تراشه از تغییرات همودینامیک بدنبال ساکشن لوله نای جلوگیری کرد و در گروهی که دارونما دریافت کرده بودند، بدنبال ساکشن لوله تراشه، فشار خون و ضربان قلب افزایش و میزان اشباع اکسیژن شریانی کاهش یافت و این تغییرات همودینامیک در دو گروه از نظر آماری معنی دار بود.

نتیجه گیری: تجویز لیدوکائین وریدی قبل از ساکشن داخل نای مانع از تغییرات همودینامیک در بیماران بخش ICU می شود. بنابراین استفاده از لیدوکائین وریدی قبل از ساکشن لوله نای به همکاران متخصص بیهوشی و مراقبتهای ویژه توصیه می گردد.

واژه های کلیدی: لیدوکائین، تغییرات همودینامیک، ساکشن لوله تراشه

سازگاری زنان مبتلا به بیماری های عروق کرونر: کاربرد نظریه روی (Roy)

دیانا هکاری*، دکتر رحمت محمدزاده

زمینه و هدف: هدف پژوهش حاضر تعیین کاربرد مدل سازگاری روی درمورد زنان مبتلا به بیماریهای عروق کرونر بود. در این بررسی سازگاری بیماران با این بیماری در بعدهای فیزیولوژیک، مفهوم خود، ایفای نقش و استقلال/وابستگی بررسی گردیدند. طبق مدل سازگاری روی (Roy) پرستاری بر ارتقاء میزان سازگاری متمرکز گردیده و بنابراین دارای سهم مثبت در سلامتی، کیفیت زندگی و مرگ توأم با آرامش می باشد.

روش تحقیق: این پژوهش از نوع تحلیل همبستگی و روش نمونه گیری آن تصادفی طبقه ای بوده است. نمونه پژوهش ۲۵۰ نفر و ابزار گردآوری داده ها پرسشنامه بود. تحلیل داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS انجام پذیرفت.

یافته ها: میانگین سنی افراد نمونه $58/6 \pm 0/83$ سال، ۱۶۶ نفر بیسواد (۶۶/۴٪)، ۲۳۱ نفر (۹۲/۴٪) خانه دار و بعد خانوار اکثریت ۷۰ (۲۸٪) پنج نفر بود. نتایج نشان داد بین میزان تحصیلات و بعد خانوار، متوسط درآمد ماهیانه خانوار و میزان سازگاری اختلاف معنی داری وجود دارد $P < 0.001$. بررسی میزان سازگاری در ابعاد چهارگانه بیانگر آن بود که افراد نمونه در بعد فیزیولوژیکی برحسب چگونگی انجام فعالیتهای خود مراقبتی با ۱۵۲ مورد (۶۱/۲٪)، رفتارهای بهداشتی - سلامتی و حفاظت در برابر عوامل خطر آفرین با ۲۱۲ مورد (۸۴/۸٪) از سازگاری در حد متوسط برخوردار بودند. ۲۰۶ مورد (۸۲/۴٪) در بعد درک از خود سازگاری متوسطی داشتند. در حالی که ۱۰۹ مورد (۴۳/۶٪) در بعد استقلال/وابستگی سازگاری کمی را اذعان نمودند. ۲۲۴ مورد (۸۹/۶٪) در بعد ایفای نقش سازگاری در حد متوسط داشتند. میزان سازگاری براساس ابعاد چهارگانه فیزیولوژیک، خودپنداری، ایفای نقش و استقلال/وابستگی مقایسه گردید که براساس نتایج آزمون فریدمن و آزمون کندال واسپیرمن رو معنی دار بود $P < 0.001$.

نتیجه گیری: این مطالعه نمایانگر ارزش استفاده از نظریه پرستاری به عنوان یک چارچوب سازمان یافته برای ارزیابی تجارب زندگی در زنان مبتلا به بیماری عروق کرونر قلب بود. بکارگیری آن می تواند در راستای سازگاری بهتر انسان با تغییرات بوجود آمده در وضعیت سلامتی وی کمک نماید.

واژه های کلیدی: مدل سازگاری خانم روی، ابعاد چهارگانه فیزیولوژیک، درک از خود، ایفای نقش و استقلال/وابستگی

بررسی رابطه سطح هموگلوبین سرم با انسداد عروق کرونر قلب سمیه خضولو*

زمینه و هدف: مطالعات اپیدمیولوژیک نشانگر رابطه میان افزایش ذخایر آهن بدن و بیماری های عروق کرونر قلب می باشد. اعتقاد بر این است که التهاب و اکسیداسیون LDL مکانیسم های مهمی هستند که در فرایند پیچیده و پاتولوژیک آترواسکلروز نقش ایفا می نمایند. آهن به عنوان کاتالیزور سبب تسهیل تولید رادیکال های آزاد می شود که این عوامل سبب افزایش پراکسیداسیون چربی ها بویژه LDL می شوند. تعیین سطح هموگلوبین پلاسما یک روش تشخیصی مناسب جهت ارزیابی تعادل آهن در بدن می باشد. هدف از این بررسی تعیین ارتباط بین سطح هموگلوبین سرم با شدت و وسعت تنگی عروق کرونر قلب می باشد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی- مقطعی بر روی ۱۱۰ بیمار مبتلا به آترواسکلروز که تحت آنژیوگرافی عروق کرونر در بیمارستان سیدالشهداء ارومیه قرار گرفتند، انجام شد. جهت تجزیه و تحلیل داده ها از نرم افزار SPSS استفاده شد.

یافته ها: یافته ها نشان داد که ارتباط معنی داری بین میزان هموگلوبین خون و شدت و وسعت آترواسکلروز در بیماران وجود دارد. ($P=0/03$)

نتیجه گیری: نتایج این مطالعه تایید کننده رابطه قوی بین سطح هموگلوبین سرم با شدت و وسعت آترواسکلروز کرونر در بیماران می باشد. بنابراین بر اساس نتایج به دست آمده از این مطالعه می توان میزان هموگلوبین را به عنوان یک اندکس مقایسه ای قابل بحث در بیماران مبتلا به آترواسکلروز عروق کرونر مطرح نمود.

واژه های کلیدی: آترواسکلروز، عروق کرونر، هموگلوبین

بررسی تداخلات دارویی در نسخ پزشکان متخصص قلب و عروق استان خراسان جنوبی در سال ۹۰

ملیحه کریمی درمیان*، کبری ناصری، اعظم سلمانی، محبوبه کریمی

زمینه و هدف: تداخل های دارویی در بدن هنگامی که دو یا چند دارو به طور همزمان تجویز می شوند، به وقوع می پیوندد. این امر سبب تغییر اثر درمانی یا سمیت یک دارو به واسطه حضور دارو یا عوامل دیگر می گردد. در این پژوهش آمار شیوع درجات مختلف تداخل های دارویی دسته داروهای قلبی - عروقی و بیشترین تداخلات هر درجه در نسخ بیمه پزشکان قلب و عروق خراسان جنوبی در سال ۹۰ بر اساس منبع Drug interaction facts 2005 مورد بررسی قرار گرفته است.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی - مقطعی تعداد ۱۵۰۷۸ قلم نسخه بیمه (بیمه خدمات درمانی، تامین اجتماعی و نیروهای مسلح) از متخصصین قلب و عروق خراسان جنوبی در سال ۹۰ از کلیه داروخانه های شهر به شکل CD جمع آوری گردید و توسط نرم افزار بررسی نسخ از نظر شاخص های تجویز مورد ارزیابی قرار گرفت. برای تلخیص داده ها از نمودارها، جداول، درصد و میانگین تحت نرم افزار SPSS16 استفاده شد.

یافته ها: درصد نسخه های دارای تداخل از نظر درجه (۱-۲-۳) به ترتیب ۶.۵۶ - ۹.۱۹ - ۱۱.۲۰ درصد و شدت (خفیف، شدید، متوسط) ۱۰.۹۶ - ۶.۹۸ - ۹.۰۱ درصد و نمایش (تاخیری و سریع) ۲۳.۵۲ - ۳.۴۳٪ می باشد. شدیدترین تداخلات، تداخل دیگوکسین - فروزماید (۲.۰۳٪)، ACEI و دیورتیک های پتاسیم (۳.۰۵٪)، استاتینها و فیبراتها (۰.۷۸٪) می باشد. از بین تداخلات متوسط بیشترین درصد تداخل دیگوکسین - اسپیرینولاکتون (۱٪)، بنزودیازپین - آتورواستاتین (۱.۷۱٪) و ACEI - دیگوکسین (۰.۸۲٪) به دست آمد. خفیف ترین تداخلات نیز تداخل بنزودیازپین - بتابلاک (۴.۴۳٪) و دیگوکسین - تریامترن H (۱.۴۲٪) می باشد.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع تداخلات دارویی در نسخ حاوی داروهای قلبی - عروقی مورد بررسی، این مطالعه لزوم توجه و ارائه آگاهی مناسب به پزشکان و داروسازان در جهت ارتقا سلامت بیماران قلبی عروقی را گوشزد می نماید.

واژه های کلیدی: قلبی - عروقی، تداخل دارویی، نسخ بیمه، اقلام دارویی

تمرین مقاومتی موجب کاهش شاخص‌های آترواسکلروز در زنان دارای اضافه وزن می‌شود

شایلا نایبی فر*، محمد اسماعیل افضل پور

زمینه و هدف: میزان شیوع چاقی و اضافه وزن در سراسر جهان روند رو به رشدی را طی می‌کند و در هر دو جنس و هر نژادی دیده می‌شود. بالارفتن وزن بدن در پی افزایش بافت چربی، بویژه بافت چربی احشایی، با شاخص‌های التهابی مانند مولکول چسبان سلولی نوع یک (ICAM1) و پروتئین واکنشی C (CRP) مرتبط است که منجر به رخداد آترواسکلروز میشوند. تمرین هوازی از طریق کاهش این بیومارکرها موجب کاهش آترواسکلروز میشوند. با وجود این، اثر تمرین مقاومتی بر بیومارکرها در آترواسکلروز مشخص نیست. از این رو هدف تحقیق حاضر بررسی تاثیر ۸ هفته تمرین مقاومتی بر شاخص‌های درگیر در آترواسکلروز در زنان دارای اضافه وزن بود.

روش تحقیق: ۱۴ زن سالم و دارای اضافه وزن شاخص توده بدنی $4/28 \pm 30/47$ (kg.m2) و درصد چربی بدنی $3/36 \pm$ (۳۵/۹۳) برای ۸ هفته با شدت ۵۰ تا ۶۵ درصد یک تکرار بیشینه تمرین کردند. این تمرینات چهار جلسه در هر هفته و هر جلسه به مدت ۵۰ دقیقه اجرا شدند. سطح سرمی LDL-C، CRP، ICAM-1، کلاسترول و شاخص‌های ترکیب بدنی قبل و ۴۸ ساعت پس از پایان تمرینات اندازه‌گیری شدند. داده‌ها با استفاده از آزمون t وابسته ($p < 0/05$) تجزیه و تحلیل شدند.

یافته‌ها: تمرین مقاومتی موجب کاهش معنی‌دار مولکول چسبان سلولی نوع یک ($p < 0/001$)، پروتئین واکنشی C ($p = 0/001$)، درصد چربی بدن ($p < 0/001$)، نسبت دور کمر به باسن ($p = 0/010$)، وزن ($p = 0/000$) و شاخص توده بدنی ($p < 0/001$) شد.

نتیجه گیری: به خاطر کاهش چربی بدن و بیومارکرها التهابی درگیر در آترواسکلروز، تمرین مقاومتی برای زنان دارای اضافه وزن توصیه می‌شود.

واژه‌های کلیدی: آترواسکلروز، زنان دارای اضافه وزن، بیومارکرها التهابی، تمرین مقاومتی

تعیین رابطه افزایش کمی CRP (hs-CRP) و انفارکتوس حاد قلبی

زهره آذرکار، مجید جعفرنژاد*، آزاده ابراهیم زاده، سیدرضا اکبرزاده

زمینه و هدف: بیماری های عروق کرونر قلب مهمترین عامل مرگ و میر در کشورهای صنعتی و رو به رشد شناخته می شود. آترواسکلروز را به دلیل وجود پاسخهای بسیار خاص سلولی و ملکولی میتوان به عنوان یک بیماری التهابی توصیف نمود. CRP از شاخص های سیستمیک التهاب می باشد که می تواند در تعیین پیش آگهی بیماران بستری شده با تشخیص آنژین صدری ناپایدار بسیار مفید باشد که این خود مطرح کننده واکنش التهابی در حوادث حاد عروق کرونر می باشد. هدف از این مطالعه تعیین رابطه افزایش کمی CRP با انفارکتوس حاد میوکارد می باشد.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع مورد - شاهدهی است. در این مطالعه تعداد ۱۸۰ فرد شامل ۹۰ بیمار انفارکتوس حاد قلبی به عنوان گروه مورد و ۹۰ نفر از بین همراهان بیماران بستری در بخش بعنوان شاهد انجام شد. در این بیماران سطح hs-CRP سنجیده شد. سطح سرمی CRP مساوی یا بیشتر از ۱۰ mg/L مثبت در نظر گرفته شد و در هر دو گروه با ریسک فاکتورهای قلبی مقایسه شد.

یافته ها: گروه مورد ۷۰٪ مرد و ۳۰٪ زن و در گروه شاهد ۶۶٪ مرد و ۳۳٪ زن بودند. در گروه مورد ۷۶ نفر (۸۴٪) و در گروه شاهد ۵۶ نفر (۶۲٪) hs-CRP مثبت داشته اند که این تفاوت از نظر آماری معنی دار بود. (P=۰.۰۰۱) و مقایسه بر اساس جنس و سن و ریسک فاکتورهای قلبی با hs-CRP هیچکدام از دو گروه تفاوت معنی دار را نشان ندادند.

نتیجه گیری: با توجه به نتایج حاصله در این مطالعه بین افزایش hs-CRP و انفارکتوس حاد قلبی ارتباط دیده میشود.

واژه های کلیدی: انفارکتوس حاد میوکارد، التهاب، CRP

بررسی شیوع فاکتورهای خطر قلبی در کارکنان شاغل در بیمارستان‌های آموزشی شهر بیرجند ۱۳۸۸ - ۱۳۸۹

محسن ضیایی فرد*، سید علیرضا جوادی نیا، غلامرضا شریف زاده، محمد ارجمندی، رقیه نجف زاده، ناهید نخعی

زمینه و هدف: کارکنان بیمارستانها نقش به سزایی در سیستم های خدمات بهداشتی درمانی در سطح ارائه خدمات بهداشتی و در سطح ارائه خدمات آموزشی و پیشگیری از بیماری ها دارا بوده و بدون شک به عنوان یک نمونه عملکردی از شیوه زندگی سالم برای بیماران و مردم جامعه مطرح می باشند. با توجه به شرایط دشوار شغلی، هدف از این مطالعه وضعیت فاکتورهای خطر قلبی را در کارکنان شاغل در بیمارستانهای بیرجند می باشد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی - تحلیلی در سال ۱۳۸۸-۱۳۸۹ بر روی پرسنل بیمارستانهای آموزشی امام رضا (ع) و ولیعصر (عج) شهر بیرجند به صورت سرشماری انجام پذیرفت. برای جمع آوری داده ها از پرسشنامه خودساخته براساس اهداف طرح که شامل اطلاعات دموگرافیک، وضعیت ریسک فاکتورهای قلبی عروقی، استفاده شد. یک نمونه خون بعد از ۱۲ ساعت ناشتایی از ورید براکیال جهت اندازه گیری قند و چربی های سرم گرفته شد. قد، وزن، دور کمر و دور باسن به روش استاندارد. داده ها در نرم افزار SPSS 13 بوسیله آزمون کای اسکونر در سطح ۰/۰۵ آنالیز گردید.

یافته ها: این مطالعه بر روی ۴۵۳ نفر از پرسنل با میانگین سنی ۴۰/۶+۷/۲ سال (۲۵ - ۶۵ سال) انجام پذیرفت. اغلب شرکت کنندگان مونث بودند (۶/۶۵٪). شایعترین فاکتورهای خطر در جمعیت مورد مطالعه دیس لیپیدمی، اضافه وزن و چاقی شکمی به ترتیب با شیوع ۴/۷۰٪، ۴۰٪ و ۳۷/۷٪ بوده است. شیوع دیس لیپیدمی و مصرف سیگار بطور معنی داری در جنس مذکر بالاتر از جنس مونث بوده است ($P < 0.001$) از سوی دیگر مشخص گردید که چاقی شکمی به طور معناداری در زنان بیشتر از مردان بوده است ($P < 0.001$).

نتیجه گیری: فاکتورهای خطر بیماری های قلبی از شیوع قابل ملاحظه ای در پرسنل شرکت کننده در مطالعه برخوردار بوده که شایعترین فاکتورهای خطر، دیس لیپیدمی، اضافه وزن و چاقی است که قابل پیشگیری می باشد.

واژه های کلیدی: فاکتورهای خطر قلبی، کارکنان، بیمارستانهای آموزشی بیرجند

مقایسه کیفیت زندگی بیماران CAD تحت درمان با CABS و PCI

زینب متدین^{*}، بتول نحریر، عباس عبادی، رمضان رحمانی

زمینه و هدف: بیماری عروق کرونر (CAD) به سه روش طبی، مداخله غیرجراحی با استفاده از کاتتر بالون دار (PCI) و به روش پیوند راه فرعی کنارگذر در کرونر (CABS) درمان می شود، با توجه به آمار پیشرونده CAD و شیوه های مختلف درمان، این مطالعه با هدف تعیین مزیت دو روش درمانی CABS و PCI از طریق اندازه گیری کیفیت زندگی افراد انجام گرفته است.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی - تحلیلی، ۱۹۰ بیمار مبتلا به CAD تحت درمان با یکی از روشهای جراحی عروق کرونر و PCI باروش نمونه گیری مبتنی برهدف از بیماران بیمارستان بقیه ا... (عج) انتخاب شدند. طی مصاحبه، پرسشنامه کیفیت زندگی ناتینگهام تکمیل گردید. داده ها با آزمون آماری تی مستقل و کای با استفاده از نرم افزار SPSS 11 تحلیل گردید.

یافته ها: در بیماران تحت درمان با CABS میانگین نمره کیفیت زندگی $18/56 \pm 3/25$ در مقایسه با گروه تحت درمان با PCI $22/67 \pm 2/691$ بود و آزمون آماری مستقل اختلاف معنی داری را بین دو شیوه نشان داد ($p < 0.05$). کیفیت زندگی در بیماران CABS مطلوبتر از گروه PCI بود.

نتیجه گیری: باتوجه به اینکه بیماران CABS نسبت به بیماران PCI مراقبت بهتری دریافت می کنند و آموزش ها به طور مستقیم به آنها داده می شود و همچنین بیماران PCI نیازمند درمان دارویی دراز مدت هستند، انتظار می رود کیفیت زندگی در گروه اول بیشتر باشد. روش درمانی CABS هرچند برای بیماران دشوارتر است و هزینه بیشتری در بر دارد، اما شیوه مطلوبتری می باشد و نیازمند دادن آگاهیهای بیشتر و فراهم کردن شرایط لازم جهت فراگیر کردن این روش می باشد.

واژه های کلیدی: کیفیت زندگی، بیماری عروق کرونر، جراحی عروق کرونر، مداخله غیرجراحی باکاتتر بالون دار

* دانشجوی کارشناسی ارشد پرستاری مراقبت های ویژه دانشگاه علوم پزشکی بقیه ا... (عج) motedayen.ac@gmail.com

ارتباط لیپیدهای سرم با شاخص توده بدنی در دانش آموزان دبستانی شهر بیرجند

بیتا بیجاری*، فاطمه طاهری، محمود زردست، کوکب نمکین، طیبه چهکندی، علی عباسی، حمید رضا مشرقی مقدم

زمینه و هدف: چاقی دوران کودکی تعیین کننده برخی عوامل خطر بیماری های قلبی عروقی شامل اختلالات چربی خون، پرفشاری خون و تصلب شرایین می باشد. هدف از این مطالعه مقایسه پروفایل چربی در کودکان دبستانی دارای شاخص توده بدنی نرمال با کودکان چاق و دارای اضافه وزن می باشد.

روش تحقیق: در این مطالعه موردی شاهدهی ۴۱۵ دانش آموز در دو گروه مورد (دارای شاخص توده بدنی بالای صدک ۹۰٪ برای سن و جنس) و شاهد (دارای شاخص توده بدنی زیر صدک ۹۰٪) بررسی شدند. نمونه مورد مطالعه شامل دانش آموزانی بود که از طرح بررسی شیوع سندرم متابولیک در کودکان دبستانی شهر بیرجند مشخص شده بودند. قد، وزن و سطح چربی های خون دو گروه از پرونده های آنان استخراج شده و با استفاده از نرم افزار (SPSS 16) با تست های آماری توصیفی و آزمونهای کای مربع و T مستقل در سطح معنی داری $\alpha \geq 0/05$ آنالیز شد. TG بیشتر از ۱۱۰، کلسترول بیشتر از ۲۰۰، LDL بیشتر از ۱۳۰ و HDL کمتر از ۴۰ به عنوان دیس لیپیدمی در نظر گرفته شد.

یافته ها: گروه مورد شامل ۲۰۷ دانش آموز با میانگین سنی $9/6 \pm 1/3$ سال و گروه شاهد شامل ۲۰۸ دانش آموز با میانگین سنی $9/7 \pm 1/2$ سال بودند. هایپرتری گلیسیریدمی در ۴/۴٪ گروه مورد و ۲۰/۹٪ گروه شاهد ($P < 0/001$)، هایپرکلسترومی در ۱۴/۶٪ گروه مورد و ۷/۱٪ گروه شاهد ($P = 0/01$)، LDL بالا در ۱۱/۷٪ گروه مورد و در ۴/۶٪ گروه شاهد ($P = 0/01$) و HDL پایین در ۲۴/۲٪ گروه مورد و ۱۷/۳٪ گروه شاهد ($P = 0/05$) مشاهده شد. میانگین تری گلیسیرید، کلسترول، LDL و HDL در گروه مورد و شاهد به ترتیب به ترتیب $132/8 \pm 54/5$ در برابر $118/8 \pm 56/4$ ($P = 0/01$)، $142/5 \pm 55/6$ در برابر $131/9 \pm 45/4$ ($P = 0/04$)، $79/1 \pm 36/4$ در برابر $74/7 \pm 30/1$ ($P = 0/19$) و $83/5 \pm 54/8$ در برابر $70 \pm 36/7$ ($P = 0/004$) بود.

نتیجه گیری: شاخص توده بدنی می تواند به عنوان ابزاری آسان، غیرتهاجمی و ارزان در شناخت افراد دارای ریسک فاکتورهای بیماریهای آترواسکلروتیک مورد استفاده قرار بگیرد. با توجه به ارتباط چاقی عمومی که با شاخص توده بدنی بالا مشخص می شود با تغییرات مضر در پروفایل لیپید، توصیه می شود کودکان چاق از نظر دیس لیپیدمی مورد غربالگری قرار بگیرند

واژه های کلیدی: لیپیدهای سرم، شاخص توده بدنی، دانش آموز، بیرجند

ارتباط چاقی شکمی با سطح لیپیدهای سرم در دانش آموزان دبستانی شهر بیرجند

طیبه چهکندی، بیتا بیجاری*، فاطمه طاهری، محمود زردست، کوبک نمکین، علی عباسی، سیدعلی ذوالفقاری

زمینه و هدف: افزایش سطح لیپیدهای سرم یکی از مهمترین عوامل خطر بیماریهای قلبی عروقی می باشد که با چاقی بخصوص چاقی مرکزی ارتباط دارد. هدف از این مطالعه مقایسه پروفایل چربی در کودکان دبستانی دارای چاقی مرکزی یا شکمی با کودکان بدون چاقی شکمی می باشد.

روش تحقیق: در این مطالعه موردی شاهدی ۴۸۰ دانش آموز در دو گروه مورد (دارای چاقی شکمی یا دور کمر بالای صدک ۹۰٪ برای سن و جنس) و شاهد (بدون چاقی شکمی) که از طرح بررسی شیوع سندرم متابولیک در کودکان دبستانی شهر بیرجند مشخص شده بودند، مورد بررسی قرار گرفتند. اندازه دور شکم و سطح چربی های خون دو گروه مورد و گروه شاهد از پرونده های آنان استخراج شد. TG بیشتر از ۱۱۰، کلسترول بیشتر از ۲۰۰، LDL بیشتر از ۱۳۰ و HDL کمتر از ۴۰ به عنوان اختلال چربی خون در نظر گرفته شد. داده ها با استفاده از نرم افزار (spss(16 با تست های آماری کای دو و محاسبه نسبت شانسی در سطح معنی داری $\alpha \geq 0/05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: تعداد ۲۳۹ دانش آموز در گروه مورد ۲۴۱ نفر در گروه شاهد قرار داشتند. تری گلیسیرید بالا در ۳۹/۱٪ گروه مورد و ۱۷/۴٪ گروه شاهد ($P < 0/001$)، کلسترول بالا در ۲۰٪ گروه مورد و ۱۲/۱٪ گروه شاهد ($P = 0/006$)، LDL بالا در ۱۷/۵٪ گروه مورد و در ۶/۳٪ گروه شاهد ($P < 0/001$) و HDL پایین در ۲۵/۳٪ گروه مورد و ۱۲/۱٪ گروه شاهد ($P < 0/001$) مشاهده شد. نسبت شانسی (OR) افزایش تری گلیسیرید، کلسترول، LDL و HDL در گروه مورد نسبت به گروه شاهد به ترتیب (CI=۱/۹-۴/۷)، ۳/۰۴ (CI=۱/۲-۳/۵)، ۲ (CI=۱/۶-۶) و ۳/۲ (CI=۱/۶-۶) و ۰/۴ (CI=۰/۲-۰/۶) محاسبه شد.

نتیجه گیری: شیوع دیس لیپیدمی در کودکان دارای چاقی شکمی نسبت به کودکان بدون چاقی شکمی و استفاده آسان، ارزان و غیرتهاجمی اندازه گیری شاخص های آنتروپومتریک از جمله اندازه گیری دور کمر برای شناسایی کودکان دارای چاقی مرکزی، غربالگری کودکان از نظر چاقی مرکزی و بررسی پروفایل لیپید در آنان توصیه می شود.

واژه های کلیدی: لیپیدهای سرم، چاقی شکمی، دانش آموز، بیرجند

میزان اسیدهای چرب ترانس برخی از کیک ها، شیرینی ها و میان وعده های عرضه شده در شهر کرمانشاه

علی شیرزادی^{*}، سهیلا بهرامی، یحیی پاسدار، غلامرضا بهرامی

زمینه و هدف: اسیدهای چرب ترانس (TFAs) در اثر هیدروژناسیون و یا سرخ کردن مواد غذایی در روغن های گیاهی تولید می شوند. وجود این نوع چربی در رژیم غذایی می تواند سبب بیماری های عروق کرونر، آترواسکلروز، افزایش LDL، کاهش HDL، افزایش احتمال سرطان، دیابت و اختلال در رشد جنین انسان می شود. با توجه به عدم وجود اطلاعات کافی در مورد میزان TFAs مواد غذایی در ایران به ویژه در شهر کرمانشاه طراحی گردید.

روش تحقیق: مارک های متفاوت از ۱۳ گروه مواد غذایی شامل بیسکویت، کیک، نان برنجی، نان خرمايي، نان روغنی، زولبیا، بامیه، باقلوا، پیراشکی، چیپس، پفک شکلات و کافی میت خریداری شد. اسیدهای چرب آنها با استفاده از روش فولچ استخراج شد. بعد از متیلاسیون به روش AOCS توسط دستگاه کروماتوگرافی گازی با ستون مووین ۱۰۰ متری و ردیاب یونی شعله ای آنالیز گردید.

یافته ها: بیشترین اسیدهای چرب ترانس در کافی میت، بیسکویت و کیک از ۶.۹۵٪ تا ۱۳.۶۲٪ مشاهده شد که این میزان در شیرینی ها از ۱.۲۴٪ تا ۳.۳۸٪ می باشد. بیشترین میزان اسیدهای چرب اشباع در کافی میت و شکلات دیده شد که قسمت عمده ی آن را پالمیتیک اسید تشکیل می داد.

نتیجه گیری: میزان اسیدهای چرب ترانس مواد غذایی ایران بالاست. از آنجایی که در کشورهای توسعه یافته استاندارد صفر درصدی برای اسیدهای چرب در مواد غذایی منظور شده است، توصیه می شود تمهیداتی برای کاهش یا حذف آن در غذاهای ایرانی دیده شود.

واژه های کلیدی: اسیدهای چرب ترانس، میان وعده ها، کروماتوگرافی گازی

* دانشجوی علوم آزمایشگاهی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه، کمیته تحقیقات دانشجویی shirzadi.ali92@gmail.com

اثر عصاره های آبی و اتانولی دانه اسپند (Peganum harmala L)

بر پروفایل چربی های خون در رت

محمد مهدی حسن زاده طاهری*، محمد حسن پور، نوید ربیعی، سید امیررضا قریشی

زمینه و هدف: درمان بیماری های قلبی - عروقی به کمک داروهای شیمیایی موجود دارای عوارض جانبی نظیر ناراحتی های گوارشی، ضعف و دردهای عضلانی می باشد. لذا گرایش به استفاده از گیاهان دارویی برای درمان آن همواره رو به افزایش می باشد. نظر به اینکه بر اساس برخی رفرنس های طب سنتی دانه گیاه اسپند در برخی جوامع بعنوان داروی کاهنده چربی های خون مصرف می شود، بنابراین مطالعه حاضر باهدف تعیین اثر عصاره های آبی و اتانولی دانه اسپند بر پروفایل چربی های خون طراحی و اجرا گردید.

روش تحقیق: در این پژوهش از ۱۸ سر رت نژاد ویستار با وزن متوسط ۳۰۰ گرم استفاده شد. رت ها بطور تصادفی در ۳ گروه و هر گروه ۶ سر رت، دو گروه آزمایش و یک گروه کنترل دسته بندی شدند. گروه های آزمایشی I و II بترتیب روزانه برای مدت ۳۰ روز با ۳ سی سی مایع محتوی ۱۰۰ mg/kg از عصاره آبی و اتانولی دانه اسپندگاواژ می شدند و گروه III بعنوان گروه شاهد منفی معادل حجم عصاره مصرفی گروه های آزمایش، آب مقطر دریافت می نمودند. در پایان آزمایش رت ها پس از بیهوشی عمیق با اتر خون گیری شدند و میزان چربی های خون آن ها شامل تری گلیسرید (TG)، کلسترول تام (TCL)، کلسترول های LDL و HDL با کیت های آزمایشگاهی اندازه گیری شد. و میزان کلسترول VLDL محاسبه گردید. اطلاعات حاصله ثبت و به کمک نرم افزار SPSS11.5 و استفاده از آزمون های Anova و Tukey و در سطح معنی داری $P < 0/05$ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: تری گلیسرید در گروه های آزمایشی I ($42/1 \pm 9/8$) و گروه آزمایشی II ($41/8 \pm 5/2$) با گروه کنترل ($7/9 \pm 4/8$) اختلاف معنی داری نشان نداد. TCL اگرچه در گروه های آزمایشی کمتر از گروه کنترل بود، اما اختلاف آنها معنی دار نبود. میزان کلسترول LDL در گروه های آزمایشی I و II بترتیب ($36/8 \pm 4/3$ و $35/8 \pm 4/2$) و در گروه کنترل ($44/3 \pm 4/6$) بود و از نظر آماری اختلاف گروه آزمایشی I با گروه کنترل ($P = 0/016$) و گروه آزمایشی II با گروه کنترل ($P = 0/008$) هر دو معنی دار بود. سایر چربی های خون در مقایسه با گروه کنترل اختلاف معنی داری نشان ندادند.

نتیجه گیری: این مطالعه نشان می دهد که مصرف خوراکی دانه اسپند می تواند کلسترول LDL را بطور معنی داری کاهش دهد و عصاره ی الکلی گیاه موثرتر از عصاره آبی آن می باشد. مطالعه بیشتر بر روی مواد موثره این گیاه و مکانیسم محافظتی احتمالی توصیه می شود.

واژه های کلیدی: دانه اسپند، تری گلیسرید، کلسترول، رت

بررسی دیدگاه مبتلایان به افزایش فشار خون در مورد بیماری در بیماران بخشهای قلب و داخلی بیمارستان ولیعصر (عج) بیرجند

شهناز طبیعی*، علی محمد ایزدپناه، زهرا فرج زاده، سید علیرضا سعادتجو، هایده هدایتی، زهرا آموزشی، نرگس علی آبادی،
ناهید نخعی، زهرا سعادت پور

زمینه و هدف: افزایش فشار خون به عنوان یکی از مهمترین عوامل مساعد کننده بیماریهای قلبی عروقی به طور فزاینده ای در جهان رو به افزایش است. فشار خون بالا نه تنها به عنوان یک بیماری بلکه به عنوان یک عامل خطر برای بسیاری از بیماریهای دیگر مطرح می باشد. در ایران حدود ۲۵-۳۵ درصد بزرگسالان میانسال مبتلا به پر فشاری خون هستند. با وجود اینکه امروزه تشخیص و درمان افزایش فشار خون سریع می باشد، اما مطالعات نشان می دهند که حدود ۵۰٪ بیماران شناخته شده تحت درمان بوده که در ۳۰٪ موارد فشار خون آنها در حد مطلوب کنترل شده است. در مطالعات انجام شده موارد از جمله اثر محیط، نوع داروی مصرفی، دانش و عملکرد مبتلایان، رژیم غذایی، فشارهای روانی و ... بر کنترل فشار خون مورد بررسی قرار گرفته، اما در مورد نگرش مبتلایان به افزایش فشار خون مطالعات اندکی انجام شده است. از آنجایی که یک اصل مهم در پیگیری و درمان بیماریها داشتن درک، باور و نگرش مناسب در مورد بیماری می باشد، این پژوهش با هدف تعیین دیدگاه مبتلایان به افزایش فشار خون در مورد بیماری طراحی گردید.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی - تحلیلی که به روش نمونه گیری در دسترس انجام شد، کلیه بیماران مبتلا به افزایش فشار خون که با نظر پزشک تحت درمان داروی کنترل کننده فشار خون قرار داشته و به منظور پایش یا درمان بیماری خود به بخش های داخلی و قلب مراجعه نمودند در طی یک ماه در سال ۱۳۹۱ مورد بررسی قرار گرفتند. جهت جمع آوری داده ها از پرسشنامه پژوهش گر ساخته که در دو قسمت اطلاعات دموگرافیک، سؤالات و عبارات نگرش طراحی شده بود استفاده شد. نگرش افراد بر اساس امتیازات کسب شده در ۳ رتبه (ضعیف، متوسط، خوب) طبقه بندی گردید. روایی و پایایی پرسشنامه به روش روایی محتوایی و استفاده از ضریب آلفا کرونباخ تعیین شد. تجزیه و تحلیل اطلاعات توسط نرم افزار SPSS و به کمک آزمون های آمار توصیفی انجام شد.

یافته ها: ۳۸ بیمار مورد مطالعه قرار گرفتند. ۶۵/۸٪ مونث، ۸۱/۶٪ متاهل و ۵۵/۳٪ سن بالای ۶۰ سال داشته و ۵۵/۳٪ بیسواد بودند. ۶۵/۸٪ بالا بودن قند و اوره خون را به معنی افزایش فشار خون می دانستند. ۸۹/۵٪ معتقد بودند این بیماری علامت دارد که در ۷۱/۱٪ موارد سردرد و سرگیجه را ذکر کردند. تجربه ۲۵٪ بیماران مؤید این بود که داروهای شیمیایی در کنترل بیماری موثر بوده است، اما در مورد تاثیر تغییر الگوی زندگی، رعایت رژیم غذایی و مصرف داروی گیاهی تنها ۷/۹٪ دارای تجربه موفق بودند. نگرش اکثر بیماران (۶۳/۲٪) در مورد تشخیص و درمان فشار خون در حد متوسط بود، بین جنس و سطح تحصیلات با نگرش ارتباط معنادار مشاهده نشد (p=۰/۶۱).

نتیجه گیری: یافته های این پژوهش نشان می دهد که لازم است نگرش بیماران در خصوص افزایش فشار خون، تشخیص و درمان آن با برنامه ریزی برای افزایش آگاهی های عمومی به ویژه برای اقشار با سطح تحصیلات پایین ارتقا یابد.

واژه های کلیدی: نگرش، افزایش فشار خون، بیماران

* عضو هیأت علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، مرکز تحقیقات پرستاری مامایی شرق کشور shahnaztabiee@bums.ac.ir

بررسی اثر ضد چاقی عصاره های آبی و اتانولی پوست میوه انار در رت

محمد حسن پور^{*}، محمد مهدی حسن زاده طاهری، نعیم روانبخش، ابوالفضل آهنی

زمینه و هدف: چاقی یک اختلال شدید متابولیکی و یکی از عوارض بسیار شایع جوامع بشری است که خود زمینه ساز بسیاری از بیماریهای دیگر از قبیل دیابت، آترواسکلروز، بیماری های عروق کرونر و برخی سرطان ها می باشد. این عارضه براساس اطلاعات سازمان بهداشت جهانی علت اصلی بیش از ۴۰٪ مرگ و میرها در سال است. لذا روش های مختلف و بسیار متنوعی برای درمان این عارضه پیشنهاد و اجرا می گردد که یکی از آن ها استفاده از گیاه درمانی است. نظر به اینکه این روش درمانی دارای عوارض جانبی اندک می باشد و از طرفی کشور ما منبع بسیار غنی از این داروها می باشد، بر آن شدیم تا اثرات ضد چاقی پوست میوه انار را که در بین دامداران بعنوان یک ماده لاغر کننده شناخته می شود با روش علمی و با استفاده از حیوانات آزمایشگاهی رت نژاد ویستار مورد بررسی و تحقیق قرار دهیم.

روش تحقیق: در این پژوهش از ۲۴ سر رت نژاد ویستار استفاده شد که بطور تصادفی در ۴ گروه (هر گروه ۶ سر رت) دو گروه آزمایش و دو گروه کنترل دسته بندی شدند. با شروع آزمایش تمام رت ها توزین گردیده، قد، اندازه دور کمر و BMI آنها اندازه گیری شد. گروه های آزمایشی I و II بترتیب روزانه برای مدت ۳۰ روز با ۳ سی سی مایع محتوی 400 mg/kg از عصاره آبی و اتانولی پوست میوه انارگاوژ می شدند و گروه III بعنوان گروه شاهد منفی روزانه ۳ سی سی آب مقطر و گروه IV بعنوان کنترل مثبت روزانه بمیزان 5 mg/kg از داروی لاغر کننده Xenical (Roche سوئیس) در ۳ سی سی آب مقطر دریافت می نمودند. در پایان آزمایش مجدداً رت ها توزین گردیده و اندازه قد، دور کمر و BMI برای هرکدام مشخص شد. اطلاعات حاصله ثبت و به کمک نرم افزار Prism ویرایش 3.0 و استفاده از آزمون های Anova و آزمون پیگیری Tukey و در سطح معنی داری $P < 0.05$ تجزیه و تحلیل شدند.

یافته ها: در مقایسه میانگین اختلاف وزن ابتدا و انتهای گروه های آزمایشی \pm انحراف استاندارد با گروه های کنترل، گروه آزمایشی I (4.625 ± 13.79) و گروه آزمایشی II (-10.33 ± 10.19) با گروه کنترل منفی (7.667 ± 4.803) و کنترل مثبت (-3.33 ± 10.73)، اختلاف معنی داری بین گروه II و گروه کنترل منفی وجود داشت ($p < 0.01$). هیچگونه اختلاف معنی داری بین میانگین اختلاف BMI ابتدا و انتهای گروه های آزمایشی I (0.034 ± 0.346) و گروه II (0.495 ± 0.232) در مقایسه با گروه های کنترل مثبت (-0.197 ± 0.213) و کنترل منفی (0.067 ± 0.266) مشاهده نشد. از نقطه نظر شاخص آنتروپومتری دور کمر اختلاف معنی داری بین تفاوت میانگین دور کمر ابتدا و انتهای گروه های آزمایشی I (-0.688 ± 1.193) و گروه II (0.000 ± 1.140) در مقایسه با گروه های کنترل مثبت (-3.667 ± 0.817) و منفی (-3.167 ± 1.291) مشاهده گردید. ($P < 0.05$)

نتیجه گیری: با توجه به یافته های این پژوهش می توان نتیجه گیری نمود که مصرف خوراکی پوست انار می تواند تا اندازه ای در کاهش وزن و دور کمر نقش داشته باشد.

واژه های کلیدی: چاقی، انار، شاخص توده بدنی، وزن

* استادیار گروه فیزیولوژی و فارماکولوژی و مسئول مرکز تحقیقات عنب و زرشک دانشگاه علوم پزشکی بیرجند mhassanpour61@yahoo.com

بررسی ارتباط عوامل اقتصادی - اجتماعی با کیفیت زندگی در بیماران دارای بیماری آنژین صدری شهر قم

زهرا طاهری خرامه*، مجیده هروی کریموی، ناهید رژه، حسن کریمی یزدی، سمیه اسکندری

زمینه و هدف: بیماری عروق کرونر یکی از دلایل عمده مرگ و میر و ناتوانی محسوب شده و در ایران اولین علت مرگ و میر در افراد بالای ۳۵ سال می باشد. وضعیت اقتصادی - اجتماعی افراد با خطر ناتوانی و مرگ و میر ناشی از بیماری های قلبی - عروقی ارتباط تنگاتنگی دارد. کیفیت زندگی از فاکتورهای پیشگویی کننده وقوع ناتوانی و مرگ در این بیماران است. مطالعه حاضر به منظور تعیین ارتباط عوامل اقتصادی - اجتماعی و کیفیت زندگی در بیماران مبتلا به بیماری آنژین صدری در شهر قم انجام گرفته است.

روش تحقیق: در این مطالعه مقطعی (توصیفی - تحلیلی) ۱۰۰ بیمار مبتلا به آنژین صدری بستری یا سرپایی مراجعه کننده به دو مرکز آموزشی درمانی منتخب شهر قم در سال ۱۳۹۱ به روش نمونه گیری آسان انتخاب شدند. ابزار گردآوری داده ها کیفیت زندگی عمومی فرم کوتاه ۳۶ (SF-36) و پرسشنامه اطلاعات فردی و عوامل اقتصادی - اجتماعی بود. داده ها با استفاده از آزمون های آماری ضریب همبستگی پیرسون، آزمون تی مستقل و رگرسیون چند متغیره، در محیط نرم افزار آماری SPSS 16 تجزیه و تحلیل شد.

یافته ها: میانگین سنی افراد $59/20 \pm 10/61$ سال بود و ۶۳ درصد آن ها زن بودند. بیشترین نمره کیفیت زندگی مربوط به بُعد کارکرد اجتماعی و کمترین نمره مربوط به بُعد محدودیت نقش ناشی از مشکلات جسمی بود. جنسیت ارتباط معنی داری با تمام ابعاد کیفیت زندگی داشت و کیفیت زندگی زنان در تمام ابعاد پایین تر از مردان بود. ($P < 0/01$) وضعیت تأهل، اشتغال، میزان تحصیلات و سیگار با برخی از ابعاد کیفیت زندگی ارتباط معنی دار داشتند. بر اساس نتایج رگرسیون چندگانه، متغیر جنسیت فاکتور پیشگویی کننده کیفیت زندگی در تمام ابعاد بود. علاوه بر جنس، متغیر وضعیت مالکیت قادر بود دو بُعد عملکرد جسمانی، عملکرد اجتماعی را پیش بینی نماید.

نتیجه گیری: زنان به طور قابل ملاحظه ای کیفیت زندگی پایین تری نسبت به مردان داشتند. تمرکز و توجه بیشتر در مراقبتهای درمانی و پرستاری، جهت ارتقاء و بهبود کیفیت زندگی این گروه از بیماران ضروری به نظر می رسد. همچنین با توجه به ارتباط وضعیت تأهل، اشتغال، تحصیلات، مالکیت و مصرف سیگار با برخی از ابعاد کیفیت زندگی بیماران قلبی سیاستگذاری و برنامه ریزی مسئولین، جهت بهبود وضعیت اقتصادی - اجتماعی بیماران قلبی ضروری به نظر می رسد.

واژه های کلیدی: کیفیت زندگی، آنژین صدری، عوامل اقتصادی - اجتماعی

بررسی ارتباط بین افزایش وزن دوران بارداری و فشار خون حاملگی در بیمارستان ولیعصر (عج) بیرجند

زهرة خزاعی^{*}، غلامرضا شریف زاده، خیرالنساء رمضان زاده

زمینه و هدف: چاقی شدید بی شک برای زن حامله و جنین خطرناک است. بیماریهای زیادی با چاقی در ارتباط هستند که می توان به بیماری قلبی و هیپرتانسیون اشاره کرد، تعدادی از پیامدهای نامطلوب پری ناتال در زنان حامله دارای اضافه وزن و چاقی افزایش می یابد. این مطالعه به منظور تعیین ارتباط بین وزن گیری دوران بارداری با فشار خون حاملگی در بیمارستان ولیعصر (عج) شهرستان بیرجند انجام شده است.

روش تحقیق: در مطالعه توصیفی آینده نگر بر روی خانم های باردار (ترم حاملگی)، تک قلو و بدون بیماری سیستمیک مراجعه کننده به زایشگاه ولیعصر (عج) انجام شد، ۶۸۵ زن باردار مطالعه شدند و متغیرهایی مانند سن مادر، شغل، سطح سواد، BMI اولیه، افزایش وزن دوران بارداری و فشار خون حاملگی در فرم اطلاعات ثبت شد. داده ها با نرم افزار SPSS وارد رایانه شده و برای تعیین ارتباط بین داده ها از آزمون کای اسکور آنالیز شدند.

یافته ها: در این مطالعه اضافه وزن و چاقی در بین زنان شیوعی معادل ۱۴/۷٪ و ۱۰/۸٪ داشتند. افزایش وزن مادر طی بارداری در ۱۳/۴٪ بیشتر از میزان توصیه شده بود. ۲۲ نفر بدلیل هیپرتانسیون در بیمارستان بستری شدند. ۳۷/۲٪ سزارین شدند، ۴/۲٪ ادم صورت و اندام فوقانی و ۰/۳٪ تشنج داشتند. در ۷/۲٪ فشار خون ایجاد شده در حاملگی مشاهده گردید. بیشترین مقدار ماکروزومی در BMI ۲۹ و بالاتر دیده شد. ارتباط معناداری بین موارد فشار خون بارداری و شاخص توده بدن مادر پیش از بارداری وجود داشت ($p=0/005$)، به طوری که بیشترین موارد آن در گروه با BMI بیش از ۲۶ مشاهده گردید. ارتباط معناداری بین فشار خون ایجاد شده در حاملگی و میزان افزایش وزن بارداری دیده شد، بطوریکه بیشترین موارد فشار خون ایجاد شده در حاملگی ۱۵/۲٪ در افزایش وزن بیش از حد جنین دیده شد.

نتیجه گیری: افزایش وزن گیری در دوران بارداری و افزایش شاخص توده بدنی مادر منجر به افزایش فشار خون ایجاد شده در طی حاملگی می گردد.

واژه های کلیدی: شاخص توده بدنی، افزایش وزن دوران بارداری، فشار خون حاملگی

اثر گرده گل بر چربی های خون جوجه های گوشتی

علیرضا فضایی راد^{*}، نظر افضلی، همایون فرهنگ فر، محمدرضا اصغری

زمینه و هدف: گرده گل یک مکمل غذایی مقوی و با ارزشی است که حاوی ویتامینهای مختلف، مقدار زیادی اسید آمینه ضروری برای رشد، مواد مختلف معدنی و ترکیبات تقویت کننده مویرگها می باشد. چربی های گرده اشباع نشده بوده و اغلب، این چربی ها می توانند میزان کلسترول خون را کاهش دهند. گرده گل توسط اندام نر گیاه تولید می شود و توسط سبده گرده که در ساق پای عقبی زنبور قرار دارد حمل و بوسیله تله گرده گیر جمع آوری می شود. استفاده از گرده گل باعث کاهش کلسترول و لیپوپروتئین در بیماران مبتلا به تصلب شرایین می شود. هدف از مطالعه حاضر بررسی تاثیر سطوح مختلف گرده گل در جیره جوجه های گوشتی بر چربی های خون میباشد.

روش تحقیق: تعداد ۱۶۰ قطعه جوجه نر سویه راس یک روزه در قالب طرح کاملا تصادفی در ۴ تیمار، ۴ تکرار و ۴۰ قطعه جوجه در هر تیمار تقسیم شدند. تیمارهای غذایی شامل: جیره پایه (شاهد)، ۱ درصد گرده گل + جیره پایه، ۱/۵ درصد گرده گل + جیره پایه، ۲ درصد گرده گل + جیره پایه بودند. در سنین ۲۱ و ۴۲ روزگی ۸ پرنده از هر تیمار (۲ پرنده از هر تکرار) بطور تصادفی انتخاب و کلسترول، تری گلیسرید و گلوکز سرم خون اندازه گیری شد.

یافته ها: گرده گل تمام سطوح در سنین ۲۱ و ۴۲ روزگی کلسترول را در مقایسه با گروه شاهد بطور معنی داری کاهش داد ($p < 0/05$). افزایش گرده گل در سطوح مختلف به جیره غذایی مرغان گوشتی بر میزان کلسترول، تری گلیسرید و گلوکز تأثیر داشت بطوری که در همه گروهها کلسترول، تری گلیسرید و گلوکز خون پایین تر ($P < 0/05$) از گروه شاهد در سن ۴۲ روزگی بود.

نتیجه گیری: گرده گل، می تواند کلسترول خون در جوجه های گوشتی را پایین آورده و اثرات ناشی از آترواسکلروز را کاهش دهد.

واژه های کلیدی: گرده گل، آترواسکلروز، کلسترول، تری گلیسرید، جوجه گوشتی

بررسی ترکیب اسیدهای چرب سیس و ترانس کوهان و گوشت شتر در بیرجند و نهبندان

علی اله‌رسانی، سیدجواد حسینی واشان*، محمد ملکانه، زهره کامیار

زمینه و هدف: درصد بالای اسیدهای چرب ترانس و امگا-۶ در منابع خوراکی انسان، میزان بروز بیماری‌ها قلبی-عروقی و آترواسکلروز را تشدید می‌نماید. یکی از منابع پروتئین حیوانی مورد استفاده در رژیم غذایی ایرانیان گوشت شتر است. به همین منظور ترکیب اسیدهای چرب پیه کوهان و گوشت شتر در شهرستان‌های بیرجند و نهبندان به عنوان دو مرکز عمده گوشت شتر خراسان جنوبی مقایسه گردید.

روش تحقیق: تعداد ۵ نمونه گوشت و ۵ نمونه پیه کوهان از محل کشتارگاه‌های دام تهیه گردید و تا زمان استخراج چربی آنها در فریزر -80°C نگهداری شد. پس از جمع‌آوری تمام نمونه‌ها، چربی استخراج و متیله گردید، سپس نوع و درصد اسید چرب در مقایسه با زمان پیک و مقدار پیک استاندارد و روش استاندارد داخلی تعیین گردید و سپس آنالیز آماری داده‌ها به کمک نرم افزار SAS انجام شد.

یافته‌ها: مقدار اسیدهای چرب لوریک، مرستیک، مرستولئیک، پالمیتولئیک سیس و ترانس، اولئیک، الایدیک، لینولئیک، لینولنیک، ایکوزانوئیک، ایکوزاتری‌انوئیک، آراشیدونیک، ایکوزاپنتانوئیک، دکوزاترانوئیک و دکوزاپنتانوئیک و SFA، MUFA، اسیدهای چرب غیراشباع امگا-۶ در کوهان و گوشت شتر نهبندان و بیرجند تفاوت معنی‌داری وجود ندارد. مقدار اسیدهای چرب پالمیتیک، استئاریک، CLA و ایکوزامونوئیک، ایکوزادی‌انوئیک و دوکوزاهگزانوئیک کوهان و گوشت در مناطق مختلف استان تفاوت معنی‌داری نشان داد که مقدار اسیدهای چرب ترانس در کوهان کمتر و در گوشت بالاتر، همچنین در نهبندان بیشتر از بیرجند بود.

نتیجه‌گیری: مقدار کل اسیدهای چرب اشباع و غیراشباع گوشت و کوهان و یا منطقه جمع‌آوری شباهت داشته اما مقدار اسیدهای چرب ترانس در کوهان کمتر از گوشت و در تولیدات شتر بیرجند کمتر از نهبندان بود. احتمالاً گوشت شتر بیرجند بدلیل مقدار کمتر اسیدهای چرب ترانس از نظر میزان بروز آترواسکلروز دارای کیفیت بالاتری می‌باشد.

واژه‌های کلیدی: اسیدهای چرب سیس، ترانس، کوهان و گوشت شتر، آترواسکلروز

شیوع چاقی و چاقی شکمی در کودکان دبستانی شهر بیرجند سال ۱۳۹۱

فاطمه طاهری^{*}، کوکب نمکین، محمود زردست، طیبه جهکندی، بیتا بیجاری، محسن فوادالدینی

زمینه و هدف: شیوع چاقی در کودکان در چند دهه اخیر در سراسر جهان رو به افزایش است. چاقی به ویژه چاقی شکمی با افزایش ریسک سندرم متابولیک و بیماری قلبی عروقی همراه است. هدف از این مطالعه تعیین شیوع چاقی و چاقی شکمی در کودکان دبستانی ۶ تا ۱۱ ساله شهر بیرجند بود.

روش تحقیق: این مطالعه مقطعی و توصیفی - تحلیلی در سال ۱۳۹۱ روی ۱۶۲۱ دانش آموز دبستانی شامل ۸۹۳ دختر و ۷۲۸ پسر که از طریق نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای سهمی از دبستانهای شهر بیرجند انتخاب شده بودند، انجام گردید. برای تعیین چاقی از شاخص توده بدنی و مقایسه با صدک های CDC (صدک ۸۵ تا ۹۵ به عنوان اضافه وزن و صدک بالای ۹۵ به عنوان چاقی در نظر گرفته شد). برای تعیین چاقی شکمی با استفاده از دورکمر و صدک مساوی یا بیشتر از ۹۰ برای سن و جنس به عنوان چاقی شکمی منظور شد. آنالیز داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون های آماری t تست و کای دو انجام شد.

یافته ها: ۱۴.۶٪ کودکان (شامل ۱۱٪ دختران و ۱۸٪ پسران) دارای اضافه وزن و ۸.۵٪ کودکان (شامل ۶.۴٪ دختران و ۱۱٪ پسران) چاق بودند. ۱۵.۷٪ کودکان (شامل ۱۲٪ دختران و ۲۰/۳٪ پسران) چاقی شکمی داشتند. این تفاوتها از نظر آماری معنی دار بود.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای چاقی و اضافه وزن و چاقی شکمی در کودکان دبستانی بیرجند اطلاع رسانی و آموزش خانواده ها نسبت به اصلاح شیوه ی زندگی و پیشگیری از چاقی در کودکان توصیه می شود.

واژه های کلیدی: چاقی، چاقی شکمی، کودکان دبستانی، بیرجند

بررسی شیوع پرفشاری خون، هایپرلیپیدمی و دیابت در سالمندان مناطق شهری استان خراسان جنوبی در سال ۱۳۸۷

میترا مودی*، غلامرضا شریف زاده، محمدحسین نخعی، زهرا امینی نسب، رویا طاهر گورابی

زمینه و هدف: پرفشاری خون، هیپر لیپیدمی و دیابت از جمله عوامل خطر ساز بیماری های قلبی- عروقی محسوب می شود. این مطالعه با هدف تعیین شیوع پرفشاری خون، هایپر لیپیدمی و دیابت در سالمندان ساکن مناطق شهری استان خراسان جنوبی انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی - تحلیلی از نوع مقطعی، بر روی ۱۵۳۷ سالمند مناطق شهری استان خراسان جنوبی به روش نمونه گیری خوشه ای چند مرحله ای در سال ۱۳۸۷ انجام شد. برای جمع آوری اطلاعات از پرسشنامه طرح جامع سلامت سالمندان که روایی و پایایی آن در کشور ما تأیید شده، استفاده شد. پرسشنامه به صورت مصاحبه با سالمندان توسط کارشناسان سالمندان آموزش دیده مراکز بهداشت هفت گانه استان تکمیل شد و قد، وزن، فشار خون در شرایط استاندارد اندازه گیری شد. داده ها پس از جمع آوری در نرم افزار SPSS11 وارد و با استفاده از آزمونهای آماری در سطح معنی داری $\alpha = 0/05$ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفتند.

یافته ها: میانگین سنی سالمندان مورد مطالعه $68 \pm 7/4$ سال بود. ۵۶/۳٪ سالمندان زن و ۴۳/۷٪ مرد بودند. ۳۹/۶٪ سالمندان مبتلا به پرفشاری خون بودند. ۱۹/۹٪ سابقه هایپر لیپیدمی و ۱۰/۶٪ سابقه ابتلا به دیابت داشتند. هر چند شیوع پرفشاری خون در زنان بیشتر از مردان بود ولی آزمون آماری کای اسکور اختلاف معنی داری در شیوع پرفشاری خون بر حسب جنس در سالمندان مورد مطالعه نشان نداد ($p=0.96$). این آزمون اختلاف معنی داری در شیوع هایپر لیپیدمی و دیابت بر حسب جنس نشان داد ($p \leq 0.001$) به طوری که شیوع هایپر لیپیدمی و دیابت در زنان بیشتر از مردان بود.

نتیجه گیری: با توجه به شیوع بالای پرفشاری خون، هایپر لیپیدمی و دیابت در سالمندان، لازم است مسئولین بهداشت و درمان و سایر ارگانهای حمایتی به برنامه های درمانی و باز توانی این گروه آسیب پذیر جامعه توجه بیشتری معطوف دارند.

واژه های کلیدی: پرفشاری خون، هایپر لیپیدمی، دیابت، سالمندان

شیوع پرفشاری خون در کودکان ۱۱-۶ ساله بیرجند ۱۳۹۱

محمود زردست*، فاطمه طاهری، کوکب نمکین، طوبی کاظمی، طیبه چهکندی، بیتا بیجاری

زمینه و هدف: افزایش فشار خون یکی از مهمترین مسائل بهداشت عمومی در کشورهای پیشرفته است. راهنماهای بالینی جدید پرفشاری خون را به عنوان مشکل بهداشتی مهم در کودکان مطرح می نمایند. این بررسی با هدف تعیین شیوع پرفشاری خون در کودکان دبستانی شهر بیرجند انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه مقطعی توصیفی بر روی ۱۵۲۱ کودک دبستانی شهر بیرجند با استفاده از روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله‌ای خوشه‌ای انجام شد. پرسشنامه فردی برای هر کودک تکمیل و قد و وزن و فشار خون سیستولیک و دیاستولیک به روش استاندارد اندازه گیری شد و فشار خون بر اساس صدک های متناسب بر حسب قد ارزیابی شد. داده ها وارد نرم افزار SPSS شد و با آزمون کای اسکوتر در سطح $a=0.05$ آنالیز شد .

یافته ها: میانگین سنی دانش آموزان دبستانی 9.4 ± 1.6 سال بود. میانگین فشارخون در دختران 96.1mmHg و در پسران 99.2mmHg بود، که این اختلاف از نظر آماری معنی دار بود. میانگین فشار دیاستولیک دختران 54.9mmHg و پسران 57.3mmHg بود. میانگین فشار خون با افزایش سن و قد افزایش یافته و پرفشاری خون در 15.5% از کودکان بدست آمد .

نتیجه گیری: پرفشاری خون بویژه در دختران شیوع بالایی دارد. پیشنهاد می شود پیگیری این کودکان به فواصل و با کاهش عوامل استرس محیطی انجام شده و در صورتی که فشار خون بطور ثابت بالا بود، تغییرات شیوه زندگی و تغذیه و افزایش فعالیت زندگی مد نظر قرار گیرد .

واژه های کلیدی: پرفشاری خون، کودکان دبستانی، بیرجند

کیفیت زندگی در بیماران ایسکمیک قلب شهر قم

زهرآ علی اکبرزاده آرانی^{*}، محسن تقدسی، حمیدرضا گیلانی، مجید خاری آرانی

زمینه و هدف: بیماری های ایسکمیک قلب، شایعترین بیماری های قلبی و مهم ترین علت مرگ و میر در تمام دنیا می باشد که بر روی کیفیت زندگی بیماران مبتلا تأثیر می گذارد. این مطالعه جهت تعیین کیفیت زندگی مبتلایان به بیماری های ایسکمیک قلب مراجعه کننده به مراکز درمانی کاشان در سال ۱۳۸۶ انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه از نوع مقطعی است که در روی ۵۰۰ نفر از مراجعین به مراکز درمانی که بر اساس نتایج آنژیوگرافی، درگیری عروق کرونر و یا سابقه عمل PTCA و CABG داشتند، با ابزار SF-36 کیفیت زندگی عمومی و با پرسشنامه SAQ کیفیت زندگی اختصاصی آن ها سنجیده شد. سپس با شاخص های توصیفی و با تست کای دو و فیشر مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: نتایج نشان داد میانگین سنی افراد $60/5 \pm 12/5$ سال بود. از ۵۰۰ بیمار ۵۵/۸٪ آن ها مرد بودند. بیشتر بیماران سابقه MI قلبی داشتند. ۹۵/۲٪ دارای حداقل یک ریسک فاکتور به ترتیب دیابت، پرفشاری خون و چربی خون بالا بودند. ۲۶/۱٪ PTCA شده بودند و ۸/۷٪ تحت CABG قرار گرفتند. میانگین کیفیت زندگی بر اساس SF-36 $112/5 \pm 24$ و بر اساس SAQ $59/8 \pm 9/1$ بود. عوامل موثر بر کیفیت زندگی شامل بیماری های زمینه ای، بیماری قلبی، سن بالا، عدم آموزش کافی، تحصیلات، دفعات MI و جنسیت بود.

نتیجه گیری: اکثر بیماران کیفیت زندگی متوسط و خوب داشتند. بیمارانی که تحت CABG قرار گرفته بودند کیفیت زندگی بهتری نسبت به PTCA داشتند، ولی کیفیت زندگی عمومی و اختصاصی در بیماران MI و آنژیینی بهتر از بیمارانی بود که تحت بازسازی عروق کرونر قرار گرفته بودند. همچنین سن بالا، بیماری های زمینه ای و نوع بیماری های قلبی، دفعات MI و جنسیت روی کیفیت زندگی موثر بوده که لزوم توجه بیشتر و دادن آموزش کافی به این بیماران را نشان می دهد.

واژه های کلیدی: کیفیت زندگی، SAQ، SF-36، MI، IHD، CABG، PTCA

* هیات علمی گروه اتاق عمل، دانشگاه علوم پزشکی قم zaliakbarzade@muq.ac.ir

میزان آگاهی و عملکرد افراد بیمار مبتلا به سکته مغزی، بستری در بیمارستان بوعلی سینای

شهر قزوین از عوامل خطر ساز بیماری سکته مغزی در سال ۱۳۸۹

علی وفایی، جواد قدوسی نژاد*، مصطفی چترروز، فرزانه فلاحی پیشه، الهام باغبان باغستان

زمینه و هدف: سکته یا ایسکمی مغزی، سومین عامل مرگ و میر در کشورهای پیش رفته و یا در حال توسعه بوده و یکی از علل اصلی معلولیت‌های دراز مدت به شمار می‌رود. مطالعه حاضر با هدف تعیین میزان آگاهی و عملکرد در افراد سالم و مبتلایان به سکته مغزی و حمله ایسکمی گذرا مراجعه کننده به بیمارستان بوعلی سینای قزوین در سال ۱۳۸۹ از عوامل خطر ساز بیماری سکته مغزی و حمله ایسکمی گذرا طراحی و اجرا شد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی - تحلیلی و مقطعی در سال ۸۹ بین بیماران بستری در بیمارستان بوعلی سینا قزوین و افراد سالم انجام شد. تعداد ۸۰ نفر نمونه در گروه بیمار و ۱۶۰ نفر در گروه سالم برآورد شد. ابزار گردآوری داده‌ها در این پژوهش پرسشنامه خودایفا مشتمل بر ۵۲ سوال بسته در رابطه با اهداف پژوهش در سه قسمت شامل: مشخصات دموگرافیک با ۱۳ سوال، سنجش عملکرد با ۳۰ سوال، سنجش آگاهی با ۹ سوال بود، که توسط پرسشگرها به صورت مصاحبه تکمیل گردید. داده‌ها پس از جمع‌آوری با استفاده از نرم افزار SPSS و آزمون‌های آماری تی کای دو مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته‌ها: بین میانگین مجموع عملکرد در ۸۰ نفر نمونه بیمار از عوامل خطر ساز بیماری سکته مغزی و حمله ایسکمی گذرا برابر $87/76 \pm 94/3$ و میانگین مجموع عملکرد در ۱۶۰ نفر نمونه سالم برابر $25/86 \pm 53/7$ می‌باشد که بین میزان عملکرد و میزان بروز بیماری رابطه معناداری را ایجاد کرده است ($p < 0/0001$). میانگین مجموع آگاهی در افراد بیمار از عوامل خطر ساز بیماری سکته مغزی و حمله ایسکمی گذرا برابر $38/5 \pm 11/85$ و مجموع آگاهی در افراد سالم برابر $66/6 \pm 50/1$ بود (امتیاز مجموع آگاهی بین ۹-۰ می‌باشد) که بین میزان آگاهی با میزان بروز بیماری رابطه معناداری را ایجاد کرده بود. ($p < 0/01$)

نتیجه گیری: بین میزان آگاهی و عملکرد بیماران نسبت به بیماری و عوامل خطر ساز رابطه وجود دارد یعنی بررسی نیازها، برنامه ریزی و آموزش از طرف سازمان‌های وابسته به نظام سلامت می‌تواند میزان آگاهی از عوامل خطر را بالا می‌برد.

واژه‌های کلیدی: حمله ایسکمی گذرا، سکته مغزی، عوامل خطر ساز، آگاهی، عملکرد

عوامل خطرزای بیماریهای قلبی عروقی در کارگران صنعت کاشی

محمود صادقی خراشاد*، بینا بیجاری

زمینه و هدف: افزایش شیوع بیماریهای قلبی عروقی (CVD) به دنبال افزایش شیوع عوامل خطرزای آنها رخ داده و طی مطالعات بعمل آمده افزایش شیوع عوامل خطرزا ریشه در شیوه زندگی مردم دارد. مطالعه حاضر به منظور تعیین شیوع عوامل خطرزای بیماریهای قلبی عروقی در کارگران یک کارخانه کاشی در بیرجند انجام شد تا در نهایت یک پروتکل عملیاتی برای پیشگیری و کنترل CVD در آینده در این کارخانه و سایر محیط های کارگری فراهم گردد .

روش تحقیق: این مطالعه مقطعی توصیفی - تحلیلی در سال ۱۳۸۷ بر روی ۱۰۸ نفر از کارگران یک کارخانه کاشی در شهرستان بیرجند انجام گرفت. داده های مطالعه با کمک پرسشنامه ای شامل مشخصات فردی، قد، وزن، فشارخون، دورکمر، دورباسن، قند و چربی خون گردآوری و سپس داده ها با استفاده از نرم افزار SPSS در سطح معنی داری $p < 0.05$ تجزیه و تحلیل آماری گردید.

یافته ها: نتایج نشان داد افراد مورد مطالعه همگی مرد بودند و میانگین سنی آنها $33/4 \pm 8/8$ سال، میانگین وانحراف معیار قند خون ناشتا و تری گلیسرید به ترتیب $85/16 \pm 16/40$ و $113/75 \pm 78/23$ مشاهده شد. از افراد مورد مطالعه ۱۱٪ سیگاری، ۳۷٪ دارای قند خون بالا، ۴۸٪ توتال کلسترول بالا و ۵۱٪ تری گلیسرید بالا داشتند و همچنین از کارگران مورد بررسی ۴۲٪ BMI بالا داشتند و فعالیت فیزیکی کمتر از حداقل در ۷۵٪ کارگران مشاهده شد.

نتیجه گیری: عوامل خطرزای قلبی عروقی در کارگران مورد مطالعه با توجه به جوان بودن آنها نسبتاً بالا می باشد.

واژه های کلیدی: عوامل خطر، قلبی عروقی، کارگران، صنعت کاشی

بررسی نتایج آسیب شناسی عروق کرونر در کالبدگشایی های انجام شده در تالار تشریح مرکز پزشکی قانونی خراسان جنوبی از سال ۱۳۸۶ الی شهریور ماه ۱۳۹۱ حسن محمدزاده، امید مهرپور، راضیه احمدی*

زمینه و هدف: بررسی مرگ یکی از اساسی ترین و بارز ترین وظایف پزشکی قانونی در دستگاه قضایی است. یکی از راه های تشخیص قطعی علت مرگ، کالبدگشایی می باشد. این مطالعه به منظور تعیین نتایج آسیب شناسی قلب و عروق کرونر و مشخصات دموگرافیک اجساد ارجاعی به تالار تشریح اداره کل پزشکی قانونی بیرجند انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی - تحلیلی، مقطعی و گذشته نگر است. کلیه پرونده های متوفیان که در فاصله زمانی فروردین ماه ۱۳۸۶ الی پایان شهریور ماه ۱۳۹۱ جهت تعیین علت فوت در تالار تشریح اداره کل پزشکی قانونی خراسان جنوبی کالبدگشایی شده بودند، مورد بررسی قرار گرفت و پرونده هایی که گزارش آسیب شناسی قلب نداشتند از مطالعه خارج شدند. از کل پرونده های تعیین علت فوت، ۱۰۱ پرونده انتخاب و اطلاعات در پرسشنامه ای که شامل اطلاعات دموگرافیک (سوابق بیماری، سابقه اخیر تروما، سوابق فردی) و نتیجه آسیب شناسی قلب (وزن قلب، وضعیت دریچه ها، وضعیت پریکارد، عروق کرونر و بطن راست و چپ) و علت فوت تعیین شده بود، تکمیل گردید. داده ها با استفاده از نرم افزار آماری SPSS ۱۳ مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت.

یافته ها: میانگین سنی متوفیان مورد مطالعه $38/3 \pm 17/84$ سال (۵ - ۸۵ سال) بود. با بیشترین فراوانی در سنین ۶۰ - ۳۱ سالگی و کمترین فراوانی در سنین بالای ۶۰ سال بود. ۷۱٪ اجساد مذکر بودند. علت نهایی فوت به ترتیب مسمومیت ها ۲۹/۹٪ (مسمومیت با مواد مخدر، داروها، متادون و ...)، بیماری های قلبی ۲۱/۶٪ (ایسکمی قلبی، بیماری های دریچه ای، نارسایی قلبی و میوکاردیت)، حلق آویزی ۱۲/۴٪، خونریزی مغزی و صدمات متعدد ۱۰/۴٪، نارسایی حاد تنفسی (ARDS) ۱۰/۳٪، بیماری داخلی ۹/۳٪، خونریزی داخلی ۳/۱٪ و سایر موارد (برق گرفتگی و...) ۲٪ را شامل می شد. در بررسی مسمومیت ها، شایعترین علت سوء مصرف مواد مخدر (۲۰/۶٪) و در بررسی علل فوت قلبی، بیشترین علت یافت شده، ایسکمی قلبی (حدود ۶۰٪) بود. در بررسی بافت شناسی عروق کرونر، بیشترین درگیری به ترتیب مربوط به شاخه های LAD (شریان نزولی چپ)، RCA (شریان کرونری راست) و CX (شریان سیرکومفلکس) بود. در بررسی میزان تنگی عروق کرونر نیز بالاترین میزان مربوط به تنگی بیش تر از ۷۰ درصد در LAD (۶۱/۹٪) و پس از آن تنگی بیش از ۷۰ درصد در RCA (۵۸/۸٪) بود ولی ۵۰٪ تنگی های CX بین ۷۰ - ۵۰ درصد بود. میانگین وزن قلب در کل متوفیان مورد مطالعه $323/54 \pm 105/90$ گرم بود. بین میانگین وزن قلب و جنس ($348/66 \pm 107/25$ گرم در مردها و $270 \pm 79/62$ گرم در زنان، $P=0/001$) و میانگین وزن قلب و سن ($286/94 \pm 101/38$ گرم در کمتر از ۳۰ سال و $348/46 \pm 107/52$ در بالای ۶۰ سال، $P=0/003$) ارتباط معنی داری مشاهده شد. همچنین قلب بیماران قلبی نسبت به بیماران غیر قلبی سنگین تر بود. ($P=0/001$)

نتیجه گیری: با توجه به اینکه در مطالعه فوق شایعترین علت مرگ های ارجاعی جهت تعیین علت فوت، متعاقب مسمومیتها و سپس بیماری های قلبی بوده و در میان بیماری های قلبی نیز بیشترین سهم را بیماری های عروق کرونر (IHD) داشت.

واژه های کلیدی: کالبدگشایی، آسیب شناسی، بیماری عروق کرونر، علت فوت، بیماری های قلبی

* پزشک عمومی، پزشک معاینات اداره کل پزشکی قانونی خراسان جنوبی raz.ahmadi55@yahoo.com

بررسی سلول های خونی در پیش آگهی بیماران سندروم حاد کرونری و انفارکتوس میوکارد

غلامرضا عنانی سراب^{*}، امیر رحمانیان شریف آباد، داوود نیک سیرت، محبوبه مراد علیزاده، محسن حسن آبادی

زمینه و هدف: بیماری های قلبی و عروقی از عوامل مقدم مرگ و میر در سطح جهانی هستند. شواهد در حال افزایشی از نقش التهابات خفیف در پیشبرد بیماری های آترواسکلروتیک عروق وجود دارد. در این بین نقش گلبول های سفید به عنوان یک عامل التهابی در ناپایدار کردن پلاک آترواسکلروتیک عروق و بدنبال آن پلاکت ها در ایجاد لخته دارای قابلیت انسداد عروق دارای اهمیت محوری است. از نظر هموستاتیک افزایش تعداد گلبول های سفید و پلاکت های بزرگتر به دلیل فعالیت بیشتر از عوامل خطر ایجاد لخته در عروق قلب و ایجاد انفارکتوس می باشند. در این مطالعه شمارش WBC و فاکتورهای پلاکتی شامل تعداد، حجم متوسط پلاکتی و PDW در پیش آگهی بیماران با سندروم حاد کرونری مورد مطالعه قرار گرفته است.

روش تحقیق: تعداد ۱۲۹ بیمار مراجعه کننده به پزشک متخصص قلب براساس تشخیص مسجل شده به سه گروه ۱- آنژین ناپایدار (Unstable) ۲- دارای قطعه بالا رونده ST (STEMI) و ۳- فاقد قطعه بالا رونده ST (NSTEMI) تقسیم شدند. در کنار گروه های مورد نظر تعداد ۳۸ نفر، افراد سالمی که سابقه بیمار قلبی نداشته و جهت بررسی روتین مراجعه کرده بودند نیز بعنوان گروه کنترل در نظر گرفته شدند. تجزیه و تحلیل آماری داده های جمع آوری شده از طریق تحلیل واریانس یک طرفه (ANOVA)، آزمون توکی و ضریب همبستگی با استفاده از نرم افزار SPSS در سطح معنی داری $P < 0/05$ انجام شد.

یافته ها: میانگین تعداد گلبول های سفید در گروه های NSTEMI و STEMI به صورت معنی داری نسبت به گروه کنترل بالاتر بود (به ترتیب 9586 ± 3698 و 10743 ± 7622 در مقابل 6511 ± 1548 میکرولیتر)، ولی تفاوت معنی داری در مقادیر MPV گروه های بیمار با کنترل مشاهده نشد. در بین مارکرهای بیوشیمیایی سرم نیز غلظت گلوکز در سطح کاملاً معنی داری ($P < 0.1$) در گروه های بیمار بالاتر بود (به ترتیب در گروه های NSTEMI، STEMI، Unstable 145 ± 83 ، 108 ± 67 ، 143 ± 79 در مقابل 97 ± 17 میلی گرم در دسی لیتر)

نتیجه گیری: افزایش گلبول های سفید نشان دهنده نقش مهم این سلول ها در روندهای التهابی مرتبط با بیماری های آترواسکلروتیک عروق است. سطح بالای گلوکز سرمی و تعداد کلی WBC ها از جمله مارکرهای قابل اندازه گیری در آزمایشات معمولی هستند که می توانند در پیش آگهی حملات قلبی نیز مورد استفاده قرار گیرند.

واژه های کلیدی: آترواسکلروز، WBC، پلاکت

* دکترای ایمونولوژی و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند mmd643@bums.ac.ir

بررسی پلی مورفیسم (CUN) $tRNA^{Leu}$ A>G 12308 در بیماران ایرانی مبتلا به بیماری عروق کرونر (CAD)

محمد مهدی حیدری، مهری خاتمی، سید خلیل فروزان‌نیا، فاطمه صدیقی*

زمینه و هدف: آترواسکلروزیس، عامل عمده بیماری قلبی عروقی، بیماری است که بر عروق با اندازه بزرگ و متوسط درون بدن اثر می‌گذارد. جهش‌های سوماتیکی ژنوم میتوکندریایی انسان می‌تواند عامل احتمالی آترواسکلروزیس باشد. ژن‌های RNA انتقال‌دهنده (tRNA) میتوکندریایی اجزا ضروری بیوسنتز پروتئین هستند. در اختلالات قلبی، این ژن‌ها نقاط داغ برای جهش هستند. هدف از مطالعه اخیر تعیین ارتباط احتمالی بین پلی مورفیسم (CUN) $tRNA^{Leu}$ A>G 12308 و ابتلا به آترواسکلروزیس در بیماران ایرانی بود.

روش تحقیق: ۶۰ نمونه خون محیطی بیماران با بیماری عروق کرونر و ۶۰ نمونه خون محیطی افراد کنترل طبیعی که از طریق آنژیوگرافی کرونری مشخص شده بود، جمع‌آوری گردید. DNA از لئوسیت‌های خون محیطی استخراج شد و قطعه‌ای به طول ۱۴۴ جفت باز که دربرگیرنده محل جهش $tRNA^{Leu}$ (CUN) بود، توسط mispairing PCR تکثیر شد. سپس غربالگری جهش A12308G با روش PCR-RFLP انجام شد.

یافته‌ها: پلی مورفیسم $A>G$ ۱۲۳۰۸ در ۱۴ بیمار و ۹ کنترل طبیعی یافت شد. اختلاف بین گروه‌های بیمار و طبیعی با استفاده از تست احتمال دقیق فیشر محاسبه شد.

نتیجه‌گیری: ارتباط آماری مشخصی بین میزان شیوع پلی مورفیسم $A>G$ ۱۲۳۰۸ و آترواسکلروزیس مشاهده نشد ($P=0.225$). به منظور تخمین قابل اطمینان نقش آنها، مطالعات بر روی گروه‌های بزرگتری نسبت به گروه‌های کنترل لازم است.

واژه‌های کلیدی: آترواسکلروزیس، DNA میتوکندریایی، $tRNA$ ، پلی مورفیسم، PCR-RFLP

بررسی میزان مراقبت های بهداشتی بیماران با فشارخون بالا

در مراکز بهداشتی و درمانی روستایی بیرجند

محمد صدیق فاروقی بجد*، محمد حسن ایزدخواه، تکتم شفیعی

زمینه و هدف: فشارخون بالا یکی از بیماری های شایع و مهم قلب و عروق است که تعداد زیادی در دنیا به آن مبتلا هستند و در ایران نیز حدود ۲۰٪ جمعیت بالغین دارای فشارخون بالا می باشند و سالانه تعداد زیادی از آن ها دچار عوارض کلیوی، قلبی و مغزی ناشی از فشارخون بالا شده و یا جان خود را از دست می دهند. به منظور پیشگیری و کنترل بیماری فشارخون و عوارض ناشی از آن، از سال ۱۳۸۱ کنترل و مراقبت بیماری در برنامه های مراکز بهداشتی و درمانی روستایی و خانه های بهداشت ادغام گردید. هدف از مطالعه حاضر بررسی میزان تأثیر مراقبت های بهداشتی بیماران با فشارخون بالا در مراکز بهداشتی و درمانی روستایی بیرجند بر عوارض ناشی از آن در طی سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ می باشد.

روش تحقیق: در این مطالعه توصیفی - تحلیلی به بررسی فرمهای ارسالی به مرکز بهداشت شهرستان بیرجند در طی سالهای ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۰ در رابطه با وضعیت کنترل فشارخون بالا پرداخته شد. بیماران فشارخونی هر ماه طبق دستورالعمل توسط بهورز مراقبت شده و هر سه ماه توسط پزشک ویزیت و نتیجه آن در پروندهی بیمار ثبت گردید. در پایان هر سه ماه بهورز نتیجه اقدامات انجام شده را طی یک فرم به مرکز بهداشتی درمانی ارسال کرد و مرکز بهداشتی درمانی جمع آن را به مرکز بهداشت شهرستان ارسال کرد. مرکز بهداشت شهرستان جمع داده های مراکز را به مرکز بهداشت استان و جمع استان به وزارت بهداشت ارسال گردید. نتایج وارد نرم افزار SPSS گردید و با استفاده از تستهای آماری آنالیز در سطح $\alpha \geq 0/05$ انجام شد.

یافته ها: در طی این ۳ سال، ۲۵۸۸۹ نفر مراقبت شدند که بیشترین افراد در گروه سنی، ۳۰ تا ۳۹ سال (۳۳/۶٪)، ۶۱/۹٪ زن بودند. در طی این ۳ سال ۵۷۹ مورد فشارخون بالای جدید مشاهده شد، که ۳۷۵ نفر (۶۴/۷٪) زن بودند. با افزایش سن، شیوع هیپرتانسیون افزایش نشان می دهد. بطوری که ۴/۱۹٪ افراد سنین ۳۰-۳۹ ساله و ۷۳/۳۹٪ افراد بالای سن ۷۰ سال هیپرتانسیون داشتند ($p < 0/001$). ۹۷٪ توسط بهورز و ۷۵/۰۶٪ توسط پزشک عمومی مراقبت شدند. تعداد بیماران مبتلا به عوارض قلبی ۲۸۰ نفر، عوارض چشمی ۷۳، عوارض مغزی ۳۹ و مشکلات کلیوی ۹ نفر بود.

نتیجه گیری: مراقبت بهداشتی بیماران مبتلا به فشارخون بالا توسط بهورز در استان خراسان جنوبی مناسب می باشد. لازم است، مراقبت توسط پزشک عمومی افزایش یابد. شایعترین عوارض بیماران عوارض قلبی است که مطالعات وسیع تر در رابطه با نوع هر عارضه، فاکتورهای مرتبط با آن انجام تا در صورت امکان اقدامات پیشگیرانه در این زمینه انجام شود.

واژه های کلیدی: مراقبت، بهورز، پزشک، عوارض، فشارخون بالا

* پزشک عمومی، مسئول واحد پیشگیری و مبارزه با بیماریهای مرکز بهداشت بیرجند

اداره بیهوشی در بیماران ایسکمیک تحت جراحی غیر قلبی: یک مطالعه مرور ساختار یافته

طاهره خزاعی*، امیر ادهمی، حمیده احتشام

زمینه و هدف: ثبات همودینامیکی در حین جراحی بیماران ایسکمیک قلبی رابطه نزدیکی با پیش آگهی بیمار دارد. روشهای مورد استفاده در بیهوشی حین عمل باید امکان تعدیل پاسخهای سیستم عصبی سمپاتیک و کنترل شدید متغیرهای همودینامیک را فراهم کنند. تلاش اصلی در حین القای بیهوشی و در طول بیهوشی بیماران با IHD، پیشگیری از وقوع ایسکمی میوکارد است.

روش تحقیق: این مقاله نوعی مطالعه مروری سیستماتیک است که جمع آوری اطلاعات از طریق جستجو در پایگاههای اطلاعاتی Iranmedex - SID - Google scholar - pub med به زبان انگلیسی و فارسی و بدون محدودیت زمان و با استفاده از کلمات کلیدی Ischemia - heart disease - management anesthesia صورت گرفت. تعداد ۹۸۲ مقاله کارآزمایی بالینی و مرور سیستماتیک پیدا شد که از این تعداد ۱۲۰ مقاله که شرایط ورود به مطالعه (تأثیر دارو یا پدیده بر روی همودینامیک بیماران ایسکمیک قلبی را بررسی کرده بودند) را داشتند، انتخاب و در نهایت اطلاعات ۴۸ مقاله که ضریب توافق آنها بالای ۸۰٪ بود، استخراج گردید.

یافته ها: در ۱۲ مقاله کارآزمایی بالینی تأثیر داروهای خواب‌آور و مخدر و شل‌کننده و گازهای بیهوشی متفاوتی با فرآیندهایی مثل ساکشن و اسپرومتری تحریکی، پیش داروی بیهوشی در بیماران کلاس III و A.S.A IV در گروه های ۳۵-۵۰ نفره بررسی و همودینامیک بیماران کنترل گردید، که رژیم های مختلف بیهوشی تأثیرات متفاوتی بر همودینامیک بیماران در حین عمل داشته است.

نتیجه گیری: کنترل و نگهداری بیماران ایسکمیک قلبی در حین بیهوشی امری مشکل و استرس زا است و عوامل مختلفی مثل: نوع داروها، جایگزینی مناسب مایعات وریدی، طول مدت جراحی، پیش داروی قبل از عمل نوع گازهای بیهوشی مورد استفاده، مدت زمان نیاز به ساکشن در ثبات همودینامیک بیماران موثر است و با توجه به تجربه آنستزیست، امکانات موجود پیچیدگی عمل جراحی و شرایط بیمار می بایست بهترین راهکار انتخاب گردد.

واژه های کلیدی: اداره بیهوشی، بیماران ایسکمی، جراحی غیر قلبی

تعیین دقت تشخیصی رادیوگرافی قفسه صدری در تشخیص نارسایی قلبی در بیماران مبتلا به دیسپنه مراجعه کننده به اورژانس

حمید رضا مشرفی مقدم، مهیار محمدی فرد^{*}، علیرضا میرغلامی، قدرت الله ناصح، غلامرضا شریف زاده، سید محمود حسینی،
محبوبه زنگویی، سید حسن گلبویی موسوی، آتنا آفا کشمیری، زهرا زندی

زمینه و هدف: نارسایی قلبی یک مشکل در حال گسترش در سراسر جهان است و بیش از ۲۰ میلیون نفر را گرفتار کرده است و شیوع آن رو به افزایش است، شامل مجموعه ای از علائم (تنگی نفس، خستگی) و نشانه ها (ادم، رال) است که به بستری شدن مکرر در بیمارستان می انجامد و منجر به کاهش کیفیت زندگی و امید به زندگی می شود. استاندارد طلایی تشخیص نارسایی قلبی، اکوکاردیوگرافی است و در بیمارانی که به اورژانس مراجعه می کنند، تهیه رادیوگرافی قفسه صدری جزو اولین اقدامات تشخیصی می باشد. در این مطالعه در صدد تعیین دقت تشخیصی رادیوگرافی قفسه صدری در تشخیص نارسایی قلبی در بیماران مبتلا به دیسپنه مراجعه کننده به اورژانس برآمدیم.

روش تحقیق: در این مطالعه ۱۲۵ بیمار مبتلا به دیسپنه که به اورژانس مراجعه کرده بودند، به عنوان نمونه انتخاب شدند. رادیوگرافی قفسه صدری (CXR) و اکوکاردیوگرافی برایشان انجام شد. CXR از نظر دارا بودن مارکرهای رادیوگرافیک نارسایی قلبی شامل CTR, azygos vein width, hilus change, septal line, pri bronchil cuffing, right descending pulmonary artery width, carina angle, vascular pedicle width, lung opacities، پلورال افیوژن راست و چپ و توزیع عروق خونی توسط یک رادیولوژیست که از تشخیص اکوکاردیوگرافی اطلاعی ندارد، گزارش شد. حساسیت هر یک از این مارکرها تعیین شده و در نهایت مارکر تشخیصی جدیدی از تلفیق ۳ مارکر که بالاترین حساسیت را داشتند، جهت تشخیص نارسایی قلبی ایجاد شد.

یافته ها: در این مطالعه بیشترین حساسیت تشخیصی را carina angle و کمترین حساسیت تشخیصی را Azygos vein width دارا بودند، به ترتیب ۵/۸۶٪ و ۱۳٪ می باشد. مارکر تشخیصی جدیدی در این مطالعه، از تلفیق ۳ مارکر CTR, Hilus change, carina angle که دارای بالاترین حساسیت بودند، بدست آمد. این مارکر تشخیصی جدید دارای حساسیت ۵/۷۸٪ و ویژگی ۲/۵۲٪ می باشد.

نتیجه گیری: بر اساس مطالعه انجام شده و نتایج بدست آمده، می توان چنین نتیجه گرفت که رادیوگرافی قفسه صدری در تشخیص نارسایی قلبی به عنوان علت دیسپنه در بیماران مراجعه کننده به اورژانس مفید خواهد بود.

واژه های کلیدی: رادیوگرافی قفسه صدری، نارسایی قلبی، دیسپنه، دقت تشخیصی

بررسی رابطه پر فشاری خون در حاملگی و وزن هنگام تولد نوزادان

ناهید قنبرزاده*، محمد نجفی سمنانی، علی نجفی سمنانی، فاطمه نجفی سمنانی

زمینه و هدف: پرفشاری خون در حاملگی از مهمترین علل مرگ مادران و نوزادان و وزن کم هنگام تولد محسوب می شود.

این مطالعه با هدف ارزیابی ارتباط بین پر فشاری خون در حاملگی و وزن نوزادان هنگام تولد طراحی شده است.

روش تحقیق: در این مطالعه‌ی تحلیلی- توصیفی که به روش Case-Control طراحی شده است، ۱۶۴ مادر که به زایشگاه بیمارستان ولی عصر(ع) مراجعه نمودند، وارد شدند. ۸۲ مادر مبتلا به فشار خون (بر اساس ۴ معیار تعریف شده‌ی فشار خون بالا) به عنوان مورد و ۸۲ مادر نیز به عنوان شاهد در نظر گرفته شدند. بیماران هر دو گروه پرسشنامه‌ای شامل اطلاعات دموگرافیک مادر و نوزاد، دفعات حاملگی و روش پایان حاملگی را تکمیل نمودند. داده‌های جمع‌آوری شده به وسیله‌ی نرم‌افزار SPSS و تست‌های T, Chi, Exact Fissure و Mantel-Haenszel آنالیز شدند.

یافته‌ها: تفاوت معنی داری بین دو گروه از نظر شغل، سطح تحصیلات، محل سکونت و جنسیت نوزاد دیده نشد. فراوانی سزارین، وزن کم هنگام تولد و نارس بودن نوزاد در دو گروه تفاوت معنی داری داشت (به ترتیب $p<0.001$, $p<0.05$, $p<0.001$). با وجود حذف اثر مخدوش‌کنندگی نارس بودن نوزاد بر وزن کم هنگام تولد، فراوانی وزن کم هنگام تولد در گروه مورد به شکل معنی داری بیشتر از گروه شاهد بود. ($P<0.05$)

نتیجه‌گیری: نتایج حاصل از این مطالعه نشانگر وجود رابطه‌ی معنی داری میان پر فشاری خون در حاملگی و وزن کم نوزاد هنگام تولد و فراوانی سزارین می باشد. همچنین مطالعه‌ی ما نتوانست ارتباط معنی‌داری میان فشار خون حاصل از حاملگی و جنسیت نوزاد را نشان دهد.

واژه‌های کلیدی: حاملگی، پر فشاری خون، وزن هنگام تولد

بررسی وضعیت دارودرمانی در بیماران انفارکتوس حاد قلبی در بیمارستان ولیعصر (عج) بیرجند ۱۳۸۹-۱۳۹۰

فاطمه کبری شفیعی* ، تکتتم شفیعی، سید علی ذوالفقاری

زمینه و هدف: باتوجه به شیوع بالای انفارکتوس حاد قلبی ، درمانهای فازحادوداخل بیمارستانی این بیماران نقش مهمی در جلوگیری از عوارض بیماری دارد. لذا هدف از مطالعه حاضر بررسی وضعیت درمانهای انجام شده در بیماران با انفارکتوس حاد قلبی در بیمارستان ولی عصر بیرجند بود.

روش تحقیق: این مطالعه توصیفی تحلیلی در سال ۱۳۹۰-۱۳۸۹ در بیمارستان ولی عصر بیرجند انجام شد. تمام بیمارانی که در طی این مدت باتشخیص انفارکتوس حاد قلبی بستری شده بودند وارد مطالعه شدند. پرسشنامه ای شامل اطلاعات دموگرافیک ، وضعیت فاکتورهای خطر قلبی و درمانهای انجام شده تکمیل گردید.

یافته‌ها: این مطالعه بر روی ۴۷۶ بیمار با میانگین سنی $61/95 \pm 13/5$ سال انجام شد. ۷۲/۵٪ بیماران مرد بودند. شایعترین فاکتور خطر در بیماران هیپرتانسیون (۳۷/۲٪) بود. ۳۳/۲٪ بیماران ترومبولیتیک دریافت کردند. آسپرین در ۹۳/۱٪ بیماران ، پلاویکس و اسویکس در ۷۵/۸٪ بیماران تجویز شده بود. مورتالیتی داخل بیمارستانی در مطالعه ما ۷/۶٪ بود. بین مصرف داروها ، مورتالیتی داخل بیمارستانی و نارسایی قلبی ارتباط معناداری مشاهده شد.

نتیجه گیری: درمانهای دارویی انجام شده در بیماران با انفارکتوس حاد قلبی در حد قابل قبولی می باشد ، بجز انجام بالون کرونر که امکانات آن هنوز فراهم نمی باشد.

واژه های کلیدی: انفارکتوس حاد قلبی ، ترومبولیتیک تراپی، مورتالیتی داخل بیمارستانی، نارسایی قلبی

سهم آترواسکلروز در مرگ و میر سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ استان خراسان جنوبی

غلامرضا شریف زاده*، طوبی کاظمی، سودابه کفایی

زمینه و هدف: آترواسکلروز شایعترین علت مرگ در بیشتر کشورهای جهان و مهمترین عامل از کارافتادگی است. بیماریهای قلبی عروقی با شروع قرن بیستم کمتر از ۱۰٪ مرگها را در جهان شامل می شد، ولی در پایان قرن بیستم در کشورهای در حال توسعه نیافته نزدیک به ۵۰٪ و در کشورهای در حال توسعه ۲۵٪ از مرگها را تشکیل می دهد و تا سال ۲۰۲۰ تقریباً منجر به مرگ ۲۵ میلیون نفر در جهان می شود و به عنوان مهمترین عامل مرگ خواهد بود. بنا بر اهمیت این بیماریها این مطالعه با هدف تعیین سهم بیماریهای قلبی عروقی در مرگ و میر سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ استان خراسان جنوبی طراحی گردیده است.

روش تحقیق: این مطالعه بصورت یک مطالعه توصیفی تحلیلی بر روی کلیه متوفیان سالهای ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۹ استان خراسان جنوبی که بر اساس نظام ثبت مرگ و میر جمع آوری گردیده، صورت گرفته است. کلیه موارد فوت از سطح خانه های بهداشت، مراکز بهداشتی درمانی، بیمارستانها، پزشک قانونی و گورستانها بر اساس پرسشنامه کشوری جمع آوری و علت فوت نیز بر اساس کدهای ICD-10 طبقه بندی گردید. پس از جمع آوری داده ها موارد فوتی که از بیش از یک منبع گزارش گردیده بود، حذف گردید و داده ها در نرم افزار SPSS وارد و آنالیز گردید.

یافته ها: این مطالعه بر روی ۱۸۸۹۷ مورد مرگ جمع آوری شده در نظام ثبت مرگ و میر صورت گرفت. که از این تعداد ۵۶۲۷ نفر (۲۹/۸٪) علت بیماریهای قلبی عروقی فوت نموده بودند که بعنوان اولین عامل مرگ و میر در بین ۲۱ علت اصلی فوت ICD-10 تعیین گردید. در گروه سنی ۶۴-۴۵ سال ۳۷/۸٪ موارد فوت و در گروه سنی ۶۵ سال و بیشتر ۴۲/۱٪ موارد فوت بدلیل بیماریهای قلبی عروقی اتفاق افتاده بود. میانگین سن در هنگام فوت ۷۲/۶ با انحراف معیار ۱۵/۶ سال برآورد و تفاوت معنی داری نیز بین میانگین سن هنگام فوت و جنس در این گروه مشاهده نگردید ($P=0/66$).

نتیجه گیری: با توجه به آمار و ارقام موجود و مطالعات صورت گرفته در ایران بیماریهای قلبی عروقی بعنوان اولین علت مرگ و میر در سطح کشور مطرح می باشد و نتایج حاصل از این مطالعه نیز با الگوی کشوری و الگوی سایر استانها همخوانی دارد. اما با توجه به اینکه بیماریهای قلبی عروقی قابل پیشگیری ترین بیماریهای غیر قابل انتقال (مزمن) انسان به شمار می روند و این بیماریها علی رغم قابل پیشگیری بودن، بعنوان اولین علت فوت مطرح می باشند، بایستی توجه بیشتری به انجام اقدامات پیشگیرانه و ارائه طرحهای کنترل ریسک فاکتورهای بیماریهای قلبی عروقی نمود.

واژه های کلیدی: آترواسکلروز، علت فوت، بیماریهای قلبی عروقی

* عضو هیات علمی اپیدمیولوژی، مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی موثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند